۴۶

مجلهٔ حقیقت

علمی

فرهنگی

جهادی

سال هشتم، شماره سوم
رجب المرجب وشعبان المعظم ۱۴۴۲ قمری
حوت ۱۳۹۹ حمل ۱۴۰۰
مارچ و اپریل ۲۰۲۱ میلادی



حقیقت

مجله علمی فرهنگی جهادی

مدیر مسئول: احمد تنویر (مولوی نعیم‌الحق حقانی)

هیئت تحریریه:
منصور تالقانی- موفق افغان
سادات چرخی - سید سعید
حبیبی سمنگانی- سمیع‌الله زرمتی

صاحب امتیاز:
کمیسیون امور فرهنگی
امارت اسلامی افغانستان

دیزاین: صابر بلوچ

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com

کانال تلگرام مجله حقیقت:
T.me/haqiqat_mag

صفحه توئیتر مجله حقیقت:
@HaqiqatMagazine

سال هشتم، شماره سوم * رجب المرجب و شعبان المعظم ۱۴۴۲ هـ ق * حوت ۱۳۹۹ حمل ۱۴۰۰هـ ش- مارچ و اپریل ۲۰۲۱م

فهرست مضامین

سرمقاله

پیمان دوحه
رهگشای معضلهٔ افغانستان

جنگ افغانستان به بیست سال خود نزدیک شده و ایالات‌متحده امریکا همچنان در این کشور بحران‌زده حضور نظامی دارد؛ بر اساس معاهدهٔ دوحه تا اول ماه می سال جاری (۲۰۲۱ م) ایالات‌متحده فرصت دارد تمام نیروهای نظامی به شمول قراردادیان خود و همچنین نیروهای تحت پیمان ناتو را از کشور افغانستان بیرون کند تا به جنگ ۲۰ سالهٔ افغانستان نقطهٔ پایان گذاشته‌شده و ایالات‌متحده نیز به طولانی‌ترین جنگ تاریخ خود خاتمه بخشد.

آن پیمان تمام نکات دربارهٔ خروج کامل نیروهای خارجی را مشخص و تبیین کرده و از نظر حقوقی، کیفی و کمی به‌اتفاق نظر امریکا و امارت اسلامی به فیصله رسیده و در پیش جهانیان و ده‌ها کشور خورد و کلان منطقه به امضا رساندند.

اکنون در آستانهٔ خروج کامل قوای خارجی تحت رهبری امریکا زمزمه‌هایی از تمدید حضور خارجی‌ها در افغانستان شنیده‌شده و مشخصاً از زبان رئیس‌جمهور جدید امریکا (جوبایدن) گفته شده که خروج کامل نیروها تا اول ماه می دشوار یا از نظر تکنیکی مشکل به نظر می‌آید و تأکید آمده ایالات‌متحده ضمن پایبندی به آن معاهده نمی‌خواهد حضور بلندمدت در این کشور داشته باشد که اشاره به تائید نفس این پیمان داشته و اینکه راهگشای معضلهٔ افغانستان به‌طور واقعی پایبندی تمام جهت‌ها به مواد آن پیمان است؛ اما اینکه رئیس‌جمهور امریکا اجرای کامل آن را از نظر تکنیکی و فنی مشکل و دشوار می‌داند باید گفت که این پیمان این‌طور نبوده که بین هیئتی از امارت اسلامی و هیئتی از سوی دولت وقت امریکا انجام‌گرفته شده باشد؛ بلکه این پیمان و مذاکره طی نزدیک به هجده ماه، تلاش‌های سخت و نفس‌گیر بر محتویات آن، با حضور تمام کمیته‌های فنی/تکنیکی ایالات‌متحده، استخبارات، پنتاگون، مشاوران ارشد نظامی، حضور فعال دیپلمات‌های وزارت خارجه امریکا و سائر ارگان‌های قدرتمند امریکا صورت گرفته است و تعهد بر خروج قوای آمریکایی در ظرف ۱۴ ماه با کارشناسی دقیق و در نظرداشت مشکلات احتمالی تکنیکی/فنی بوده است وگرنه بر سر همین موضوع نیز بسیار مباحثه صورت گرفت تا امارت اسلامی بالاخره راضی شد و این فرصت را به آمریکایی‌ها داد.

آن‌هایی که آن روز در تیم مذاکراتی امریکا حضور فعال داشتند آن روز فکر این روزها را حتماً کرده بودند و حتماً تمام جوانب احتیاطی را سنجیده بودند و امارت اسلامی نیز باحوصله تمام فرصت‌های لازم را به آمریکایی‌ها به غرض اتمام‌حجت با جانب آمریکایی و از همه مهم‌تر به هدف اینکه از همه بیشتر تشنهٔ صلح و آرامی در کشور خود هستند و از هر طریق ممکن در تلاش آزادسازی کشور خویش‌اند را به‌طور واقعی به اثبات رسانند؛ لذا اکنون‌که رئیس‌جمهور امریکا آن‌هم نه به‌طور واضح مشکلات فنی/تکنیکی را بهانه کرده و غیرمستقیم از تمدید معاهده می‌گوید حق دارد که این امر برای امارت اسلامی و تیم مذاکراتی آن چندان قابل‌هضم نباشد، هرچند در این خلال، جانب آمریکایی به موارد مهم دیگر این پیمان ازجمله آزادی متباقی زندانیان مجاهدین و ختم لیست سیاه شخصیت‌های سیاسی امارت اسلامی تا هنوز قدم اجرایی نگذاشته و عملاً نوعی بی‌تفاوتی صورت گرفته است با آن‌هم بازهم امارت اسلامی از حوصله کار گرفته و به خاطر آیندهٔ کشور عزیز خود مماشات کرده است؛ ولی این‌همه صداقت در تعهد امارت اسلامی اگر از جانب آمریکایی نادیده گرفته شود مسلماً همان‌گونه که در بیانیهٔ امارت اسلامی آمده بود که در صورت عدم تعهد به معاهدهٔ دوحه، تمام عواقب ناگوار نقض آن به دوش همان طرفی است که این پیمان را نقض کرده یا درصدد نقض آن باشد.

باید گفت امارت اسلامی تا اکنون‌که بر تعهد استوار مانده است یکی از نظر اخلاقی امارت اسلامی را در سطح بلند به معرفی گرفت که تا چه حد بر افراد خود مسلط و تا کجا بر اصل صداقت متعهد بوده و از جانبی نهایت خیرخواهی آنان به خاطر نجات کشور از بحران و رسیدن به صلح و امنیت واقعی در کشور را به همه پرواضح ساخت.



ماه مبارک رمضان؛ ماه اصلاح و تزکیه

✍️ تقدیم: امیرمعاویه حیدری

ماه مبارک رمضان نعمت بزرگی از جانب پروردگار است، در این ماه سیلاب انوار و برکات از جانب پروردگار سرازیر می‌شود و رحمت‌ها مانند باران فصلی می‌بارند؛ اما اکثر مردم به جایگاه این ماه آگاه نبوده و قدر آن را نمی‌دانند چراکه تمام فکر و تلاش برای امور دنیوی و مادی است. قدر این ماه مبارک را آن‌هایی می‌دانند که فکرشان آخرت بوده و تلاششان برای بعد از مرگ است.

از حضرت انس رضی‌الله‌عنه روایت است که وقتی ماه رجب فرا می‌رسید آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنین دعا می‌کرد: «اللهم بارِک لنا فی رجب و شعبان و بلغنا رمضان» (شعب الایمان ۳۷۵/۳ تخصیص شهر رجب بالذکر) {پروردگارا به ما در ماه رجب و شعبان برکت عطا بفرما و ما را به رمضان برسان (یعنی عمر ما را دراز کن تا به ماه رمضان برسیم)}.

بنگرید که دو ماه قبل از رمضان شوق و اشتیاق برای رسیدن وجود داشت و برای حصولش دعا می‌شد، این کار را شخصی می‌تواند بکند که در دلش ارزش واقعی رمضان وجود داشته باشد.

ماه مبارک رمضان همواره منشأ تحول و اصلاح بشر بوده است. این ماه در تزکیه نفس امّاره و متمرد و وادار کردن آن به عبادت بسیار موثر است. با توجه به اینکه انسان از دو بُعد حیوانی و مَلَکی برخوردار است، روزه ماه مبارک رمضان در تضعیف بُعد حیوانی و تقویت بُعد فرشته‌ای تاثیر بسزایی دارد.

ماه مبارک رمضان و تمام احکام و دستورات شریعت اسلام برنامه‌های بسیار زیبا، جامع و سازنده‌ای هستند که الله تعالی برای اصلاح و تزکیه انسان‌ها قرار داده است.

الله تعالی می‌خواهد به‌وسیله احکام و برنامه‌های اسلام، انسان را از آلودگی‌ها و امراض ظاهری و

باطنی پاک کرده، به پرواز درآورد و به قرب خود و جنةالفردوس برساند. این برنامه‌های اصلاحی در قرآن و سنت موجودند.
هدف از روزه تقوی است، برای کسب این تقوی روزه یک‌ماه از سال برای آخرین امت فرض شده است که با قدرت و توانایی بشر هم‌خوانی و تناسب داشته باشند. روزه‌ی یک ماه از دوازده ماه برای انسان آسان است. «روزه» در نوع خودش عبادت بی‌نظیری است که در تربیت روحی و جسمی انسان تاثیر بسزایی دارد، به‌طوری که این تاثیر را به وضوح می‌توان در فرد، خانواده و جامعه مشاهده کرد.
خداوند همان ماه را برای روزه و عبادت برگزیده که قرآن در آن ماه نازل شده است که شبی سرشار از برکات و رحمت‌ها (شب قدر) نیز در آن وجود دارد.
در این ماه علاوه بر عبادت روزانه (روزه) در شب‌هایش نیز یک عبادت خاص، عمومی و اجتماعی (تراویح) وجود دارد که به سبب آن بر نورانیت و تاثیر این ماه مبارک افزوده می‌شود.
فضایل زیادی برای عبادت‌های شبانه و روزانه رمضان در احادیث ذکر شده، چنانچه از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرمایند: «مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.» [صحيح البخاري (۱۹۰۱)]
حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌کند که فرمودند: «هر کس شب قدر را با ایمان و به امید اجر و ثواب زنده نگه دارد، گناهان گذشته‌اش مغفرت می‌شوند، و هر کس رمضان را با ایمان و به امید اجر و ثواب روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش مغفرت می‌شوند.»
تلاوت قرآن، ذکر، استغفار و پرداخت صدقات ارزش روزه را افزایش می‌دهند. رمضان ماه مواسات و همدردی با مساکین، فقرا و ایتام است. علاوه بر پرداخت زکات، صدقات نفلی نیز پرداخت کنید.
الله تعالی فرصت ماه مبارک رمضان را به ما عنایت کرده است تا از این فرصت ویژه و استثنایی برای اصلاح و تزکیه خود استفاده کنیم و آن را در خواب و غفلت سپری نکنیم.
ماه رمضان برای جبران کوتاهی‌های طول سال و کوتاهی‌های کل عمر است. رمضان ماه جبران است. خوش‌نصیب‌اند انسان‌هایی که از فرصت این ماه برای اصلاح و تزکیه خود بهره می‌برند.
در حدیث آمده است وقتی رمضان می‌آید درهای بهشت باز و درهای جهنم بسته می‌شوند و شیاطین به زنجیر کشیده می‌شوند. مراد حدیث از بسته شدن شیاطین آن است که راه ورود شیطان به وسیله روزه، تشنگی و گرسنگی بسته می‌شود و یا اینکه شیاطین سرکش و بزرگ بسته می‌شوند.
اجتناب از گناه مهمترین برنامه و متمم روزه است. گناه و معصیت تاثیر روزه را از بین می‌برد. در حدیث آمده است اگر کسی در رمضان از گناه پرهیز نکند، الله تعالی هیچ نیازی به روزه‌ی چنین فردی ندارد.
وقتی دهه اخیر رمضان فرا می‌رسید آن‌حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم به مسجد می‌شتافتند و کاملاً یک‌سو شده، با زنده‌نگه داشتن شب‌ها، با الله تعالی ارتباط برقرار می‌کردند. لذا یک‌سویی برای عبادت در این دهه، سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم است .
در دهه اخیر ماه مبارک رمضان باید بیش از پیش در عبادت و بندگی پروردگار تلاش کنیم. کسانی که سعادت «اعتکاف» نصیب‌شان شده است باید به اصلاح خود و عبادت پروردگار فکر کنند. ماه مبارک رمضان برای حصول تقوا و پرهیزگاری و تزکیه نفس است.
خداوند به همه ما توفیق عبادت و بندگی در ماه مبارک رمضان را نصیب بفرماید. آمین





صلیبیان عهد شکن

✍️ احمد فارسی

در ماه فبروری سال ۲۰۲۰ میلادی توافقنامۀ صلح میان امارت اسلامی افغانستان و اشغالگران آمریکایی در دوحه پایتخت قطر بعد از بیشتر از دو سال مذاکرات و گفتگوها به امضاء رسید. در جریان این مذاکرات و گفتگوها چندین بار، طرفین به توافقنامه نزدیک شدند و یک‌بار مسودۀ آن نیز آماده شد اما بنابر خصلت و عادت همیشگی یهود و صلیبیان نصاری مبنی بر شکستاندن عهد و پیمان، آن را نپذیرفته و سلسلۀ پیشرفت‌های صلح را متوقف ساختند.

دو مادۀ مهمی که من حیث اولین اقدام در راه تنفیذ و تعمیل این توافقنامه باید روی آن ابتدا از روز امضای توافقنامه کار آغاز می‌شد، توقف حملات مجاهدین بر اشغالگران و از جانب دیگر رهایی ۵۰۰۰ اسیر مجاهدین از زندان‌های ادارۀ مزدور کابل بود. امارت اسلامی افغانستان بر اساس آموزه‌های دینی، ضوابط اخلاقی و معاییر بین‌المللی پذیرفته شده میان تمام کشورهای جهان، از اولین روز امضای توافقنامه حملات خود بر اشغالگران را متوقف ساخت و آنان را فرصت داد تا برای جمع‌آوری وسایل خود و خروج از کشور آماده گیری نمایند و این امری است که دشمن نیز نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند. از سوی دیگر، چون توافقنامه با جهت آمریکایی که اساس و ریشه جنگ و اشغال در کشور است به امضاء رسیده بود رهایی زندانیان اگرچه ظاهراً در زندان‌های تحت سرپرستی ادارۀ اجیر کابل قرار داشتند، مسئولیت اشغالگران آمریکایی بود تا در مدت و زمان محدد آن، تعداد ذکر شده رها شوند. اینکه امریکا چگونه این زندانیان را رها باید می‌کرد، متعلق می‌شد به تعامل امریکا با ادارۀ مزدور زیرا امریکا این را پذیرفته بود تا این تعداد از زندانیان را رها کند و امارت اسلامی افغانستان هیچ گونه دخالتی در موضوع نداشت و نه می‌توانست مستقیماً با ادارۀ اجیر کابل که طرف این توافقنامه نبود در این ارتباط تعامل کند و یا از آنان خواهان تنفیذ این بند توافقنامه شود؛ اما باوجود اینکه ادارۀ اجیر کابل توانمندی مخالفت با تصامیم امریکا را نداشت و در اخیر هم همان شد که اسیران نامبرده بنابر فرمان امریکا توسط ادارۀ اجیر آزاد گردیدند اما در

ابتدا ماه‌ها از تعهد اشغالگران گذشت و زندانیان امارت اسلامی کماکان در زندان‌ها باقی ماندند و ادارۀ اجیر روزانه بهانه‌های مختلف تراشیده و از رهایی آنان ابا می‌ورزید. تخلف در چنین مورد کوچک از جانب یک کشور بزرگ که خود را ابرقدرت جهان تلقی می‌کند نه‌تنها یک امر غیراخلاقی و غیرقانونی بود بلکه صدمۀ بزرگ بین‌المللی بر سمعه و شهرت حکومتی بود که خود را زمامدار قانون در جهان می‌داند. تعهد شکنی در چنین موارد کوچک توسط کشورهای بزرگ در حقیقت از اعتماد جهان به چنین حکومت‌ها می‌کاهد و از اهمیت بین‌المللی آنان در وفا به تعهدات با جهان تقلیل به عمل می‌آورد.

از سوی دیگر، بر اساس توافقنامۀ دوحه، اشغالگران نیز مکلف بودند تا از عملیات علیه مجاهدین امارت اسلامی و کشتار، آزار و اذیت مردم ملکی اجتناب کنند و آنان حق نداشتند که حتی بعد از حملات مجاهدین بر اجیران داخلی، مجاهدین را تعقیب و مورد حملات خود قرار دهند؛ اما در جامۀ عمل، این مکلفیت نیز توسط اشغالگران زیر پا شد. نه تنها اینکه مجاهدین چندین بار مستقیماً مورد حملات وحشیانۀ اشغالگران قرار گرفتند بلکه مردم ملکی نیز از وحشت آنان در امان نبودند. اشغالگران به شکل مستقلانه و یا هم همراه با اجیران داخلی خود چندین بار در جریان سال گذشته و بعد از توافقنامه مردم ملکی را مورد هجوم قرار داده و متحمل تلفات و خسارات شدید گردانیدند.

اکنون بعد از گذشت بیشتر از یک سال از این توافقنامه و هنگامی‌که باید تا یک ماه دیگر اشغالگران تمامی نیروهای خود را از افغانستان خارج کنند، حکومت جدید اشغالگران از مدتی به این‌سو به بهانه بازنگری توافقنامه اوضاع را دگرگون ساخته و سایۀ جنگ را یک‌بار دیگر بر کشور مسلط ساخته است. اخیراً رئیس‌جمهور این کشور اشغالگر در بیانیۀ مبهم خود چنین وانمود ساخت که گویا امریکا مصمم بر تنفیذ تعهدات خود بر اساس توافقنامه نیست و نمی‌تواند در مدت اتفاق شده نیروهای خود را از افغانستان خارج کند. از سوی دیگر، ائتلافی‌های اشغالگران نیز در بیانات مختلف ابراز نموده‌اند که خواهان ادامۀ اشغال

اکنون بعد از گذشت بیشتر از یک سال از این توافقنامه و هنگامی‌که باید تا یک ماه دیگر اشغالگران تمامی نیروهای خود را از افغانستان خارج کنند، حکومت جدید اشغالگران از مدتی به این‌سو به بهانه بازنگری توافقنامه اوضاع را دگرگون ساخته و سایۀ جنگ را یک‌بار دیگر بر کشور مسلط ساخته است.

افغانستان بوده‌اند و نمی‌خواهند که این کشور را در وضعیت کنونی ترک کنند.

نشست مسکو که بر اساس اتفاق اشغالگران منعقد گردیده بود و به تعقیب آن چند روز بعد نشست دیگری در ترکیه نیز انجام می‌یابد سلسلۀ از این تعهدشکنی‌ها می‌باشد که دشمنان اسلام می‌خواهند طی این نشست‌ها بر مجاهدین فشار وارد کرده و آنان را مجبور به عقب‌نشینی از موقف خود سازند تا بدین‌وسیله راهی برای بقایشان در کشور ایجاد گردد. امارت اسلامی افغانستان واکنش شدید در مقابل اعلامیۀ نشست مسکو و بیانیۀ رئیس‌جمهور امریکا نشان داده و خیلی واضح و آشکار موقف خود را در هر دو مورد بیان ساخت. امارت اسلامی که از بیست سال به این‌سو راه جهاد و قربانی را اختیار نموده است و در این راه صدها هزار جان‌ها را فدا کرده است، هرگز اجازه نمی‌دهد که اشغالگران و کشورهای حامی آن نوعیت و ساختار حکومت بعدی کشور را تعیین کنند بلکه امارت اسلامی تعیین و نوعیت حکومت بعدی را حق شرعی، قانونی و انسانی مردم مجاهد و دلیر افغانستان می‌داند

آنانی که باوجود تمامی مشکلات با بیشتر از ۵۰ کشور اشغالگر جنگیدند و آنان را به شکست مواجه ساختند. چنانچه امارت اسلامی در ارتباط با مخالفت‌ها و تعهد شکنی‌های متعلق به توافقنامهٔ دوحه صراحتاً اعلان داشته است که ایجاد هر نوع عایق و مشکلات در راه تنفیذ و تعمیل این توافقنامه به معنای ادامهٔ جنگ در این کشور بوده است که مسئولیت آن به دوش اشغالگران خواهد بود. از سوی دیگر، امارت اسلامی کاملاً آمادهٔ حملات بر اشغالگرانی است که بعد از ماه می سال ۲۰۲۱ در کشور باقی می‌مانند.

امارت اسلامی افغانستان اگرچه خواهان راه مسالمت‌آمیز و صلح برای حل بحران کنونی و جنگ در کشور است و جنگ را بر خود تحمیلی دانسته و اولین راه‌حل نمی‌داند اما از جهاد و مبارزه نظامی علیه اشغالگران و اجیران داخلی آنان نیز خسته و یا ناتوان نشده است. مجاهدین امارت اسلامی در سنگرهای جهاد مانند سال‌های گذشته بلکه در شوق بیشتر منتظر فرمان امیر خود هستند. بقای اشغالگران در افغانستان نه به نفع آنان بوده است و نه به نفع مردم افغانستان و یگانه راه‌حل که منافع هر دو جانب در آن نهفته است خروج فوری اشغالگران از کشور است. در مرحلهٔ بعدی، تمامی آثار اشغال به شمول ادارهٔ اجیر کابل که باعث تمامی ناامنی‌ها و فسادهای گوناگون در کشور شده است باید از بین برده شوند و مردم افغانستان با تمام حریت و آزادی حکومت دلخواه خود را ایجاد کنند. پذیرفتن شراکت و شامل ساختن مجرمین و مفسدین در دولت بعدی در مخالفت صریح با ارشادات دینی، اهداف جهاد مقدس و موقف شرعی و قانونی امارت اسلامی قرار دارد. مفسدانی که خواب حکومت مشترک را می‌بینند باید بیدار شوند و درک کنند که دیگر زمان خورد و برد و تجارتشان بر خون، عزت و ناموس مردم و کشور به پایان رسیده است. برای این عده از مفسدان فرصت خیلی مناسب است که دیگر از فساد دست بکشند و خود را تسلیم ارادهٔ ملت و محکمهٔ شرعی نمایند.

علاوه بر این، امارت اسلامی و مردم مجاهد پرور افغانستان می‌دانند که راه‌های حل خارجی که توسط کشورهای اشغالگر و یا حامیان آنان با تعمیل زور و فشار در مجالس و گفتگوها مطرح می‌گردد راه‌حل مشکلات افغانستان نیست و تاریخ گذشتهٔ نه‌چندان بعید افغانستان شاهد این حقیقت بوده است. در حقیقت، مشکلات افغانستان در چهار دهه گذشته زادهٔ همین راه‌های حل خارجی و بدون در نظرداشت واقعیت زمینی در کشور بوده است. در این‌چنین طرح‌ها، همیشه مصالح مردم و کشور زیر پا می‌شود و تمامی کشورها می‌خواهند مصلحت‌های خود و افراد گماشته شدهٔ خود در کشور را تأمین کنند.

امارت اسلامی افغانستان که نمایندگی از اکثریت قاطع اتباع کشور می‌کند ایجاد یک حکومت اسلامی مستقل را که همه اقشار ملت در آن سهیم باشند یگانه راه‌حل مشکلات می‌داند. سهیم بودن اقشار به معنای حق دهی به زورمندان، مجرمان و تنظیم‌ها نه بلکه به معنای موجودیت سهم تمامی اقوام و اقشاری است که در جریان این بیست سال جهاد، در پهلوی مجاهدین قرار داشته، قربانی دادند و مشکلات جنگ را متحمل شدند. دزدان، فاسدان، مجرمان و وطن‌فروشان هرگز نمی‌توانند نمایندگی و یا ادعای نمایندگی مردم را داشته باشند. آنان بارها امتحان خود را سپری کرده‌اند و مردم دیگر نمی‌توانند بر آنان اعتماد کنند. آنان کسانی هستند که وطن خود را در وقت اشغال به فروش رسانیدند، سرمایه‌های آن را دزدیدند، لقمهٔ نان را از دهان غریب ربودند و سرمایه‌های چندین میلیون دالری در داخل و خارج از کشور ایجاد کردند و هنگام مشکل با تمامی سرمایهٔ دزدی کرده خود از کشور فرار کرده و به آغوش باداران خود پناه می‌برند.

امارت اسلامی یگانه نمایندهٔ حقیقی ملت است که در سخت‌ترین و دشوارترین حالات در دفاع از کشور و نوامیس آن در مقابل اشغال مقاومت کرده و هرگونه مصلحت‌های شخصی را قربانی مصالح شرعی و مردمی ساخته است. مردم افغانستان اعتماد کامل بر رهبری و مجاهدین دارند و مطمئن هستند که فیصلهٔ نهایی در دست‌های امینی قرار دارد که هرگز در آن با خون شهدا و قربانی‌های بی‌دریغ ملت خیانت صورت نمی‌گیرد.

مغایرت‌های نظام اسلامی با نظام جمهوری و دموکراسی

✍ ساداتِ چرخی

بالاخره قوای اشغالگر آمریکایی و ناتو در کشور عزیز ما با شکست مطلق مواجه شدند و پیمان خروج قوایشان را با امارت اسلامی در محضر جهانیان رسماً امضا کردند و در آن از تشکیل حکومت اسلامی جدید سخن گفته شده است اما حالا در میان مردم، تحلیلگران و کارشناسان روی نظام و حکومت آینده بحث‌های داغ مطرح شده و آن عده افرادی که طی بیست سال گذشته با اشغالگران همکاری کرده و یوغ نظام دموکراسی غربی را به گردن نهاده بودند و با فروش ارزش‌های دینی و ملی معتاد و از دین مبین اسلامی چندان چیز هم نمی‌دانند، می‌خواهند در نظام اسلامی جدید، آلودگی‌هایی را ایجاد نمایند و چیزی را که با اسلام کاملاً مغایرت دارد و با آن در تناقض است، پسوند یا پیشوند دهند تا بدین‌وسیله بتوانند نظام خالص اسلامی که در نتیجه قربانی‌های بی‌دریغ ملت قهرمان و مجاهدپرور افغانستان در شرف وقوع است، پاکیزگی و پختگی خود را نداشته و با سهم طاغوت آغشته باشد.

لهذا می‌خواهم در اینجا مغایرت‌های نظام اسلامی را با نظام جمهوری و دموکراسی مورد بحث قرار دهم و آن مغایرت‌ها را شماره‌وار ارائه نمایم تا مسلمانان برملا بدانند که نظام جمهوری و دموکراسی پدیده سکولاری غربی و نظام اجنبی است که در جامعه اسلامی همچون افغانستان سازگاری ندارد.

اگر پایه‌های نظام دموکراسی و نظام اسلامی را دقت کنیم می‌توانیم تفاوت میان این دو نوع نظام را به‌سادگی دریافت کنیم.

درحالی‌که پایه‌های این دو نوع نظام باهم تفاوت زیادی دارند و حتی ضدونقیض یکدیگرند به‌طور مثال:

۱ـ اساس نظام اسلامی دین است و اساس دین را اعتقاد تعیین می‌نماید و اساس دموکراسی قرارداد است و قرارداد با اعتقاد زمین تا آسمان تفاوت دارد.

۲ـ رابطه نظام اسلامی رابطه عمودی است و رابطه نظام جمهوری و دموکراسی رابطه افقی.

با این معنی که پایه نظام اسلامی را دین شکل می‌دهد و دین عبارت از رابطه فرد با خالقش یا رابطه انسان با آسمان می‌باشد که این را رابطه عمودی می گویند و پایه نظام دموکراسی قرارداد است و آن‌هم میان شهروندان یعنی رابطه انسان با انسان یا دقیق‌تر رابطه شهروند با شهروند که این را رابطه افقی می‌نامند.

۳- در نظام اسلامی تحکیم قانون خالق بر مخلوق می‌باشد و در نظام‌های دموکراسی و یا جمهوری (مردم‌سالاری) تحکیم قانون مخلوق بر مخلوق می‌باشد یعنی حکومت مردم بالای مردم و پارلمان در نظام‌های جمهوری یا نظام دموکراسی مرجع تقنن

و قانون‌ساز شمرده می‌شود و قانون ایجاد شده توسط پارلمان نافذ و بالای مردم تطبیق می‌گردد و در نظام اسلامی مرجع تقنن دین (قرآن، حدیث، اجماع و قیاس) است و بر همه افراد جامعه یکسان قابل اجرا می‌باشد و شوراها در نظام اسلامی حیثیت مشورتی دارد نه تقنینی.

٤- اساس نظام اسلامی دین است و واحد دین مؤمن است و واحد دموکراسی شهروند، دین شهروند نمی‌شناسد بلکه دین صرف با مؤمن ارتباط دارد و ارتباط دموکراسی با شهروند می‌باشد، این شهروند خواه مؤمن باشند یا کافر یا هر چه دیگر.

٥- دین و دموکراسی دو مفهوم جدا و متباین می‌باشند و باهم هیچ ربطی ندارند؛ از بزرگترین تفاوت‌های اسلام با دموکراسی آن است که دموکراسی مبنای کار خود را در بهره‌گیری مادی و تمتع قرار داده است، ناگزیر روح استخدام و استثمار در آن دمیده شده است. این روحیه هر راهی را که به سوی هواهای نفسانی منتهی شود، تجویز می‌کند و این عیناً همان استبداد سلطنتی قرن‌های گذشته است که امروز در لباس اجتماع مدنی ظاهر شده است؛ شاهدش اینکه ما امروزه نیز شاهد ظلم‌های ملل نیرومند نسبت به ملت‌های ضعیف هستیم و تفاوت امروزه با گذشته آن است که آن شکل فردی سابق به شکل اجتماعی کنونی مبدل شده است، بدون آنکه روح و واقعیت آن تغییری کرده باشد. سیرت پیامبر اسلام و برنامه آن‌حضرت صلی الله علیه وسلم در پیروزی‌ها و معاهده‌ها نشانگر آنست که روش اسلام صددرصد مخالف با این هوسبازی‌های دموکراسی است.

٦- از دیگر تفاوت‌های نظام اسلامی با سایر نظام‌های ساخت بشری، این است که تاریخ نشان می‌دهد هیچ اجتماعی خالی از اختلافات طبقاتی نبوده است اما اجتماع اسلامی اجتماعی است که هیچ نوع برتری و مزیتی در بین افراد آن دیده نمی‌شود و تنها ملاک امتیاز فطرت پاک و قریحه آزاد انسانی است و این همان تقوایی است که الله متعال فرموده: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ١٣) ترجمه: همانا گرامی‌ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست.

لذا در اسلام همه در برابر قانون یکسان‌اند و فاصله طبقاتی وجود ندارد، دلیل این مطلب همان سیرت و روش زندگی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌باشد.

٧- تفاوت دیگر میان این دو نوع نظام این است که اجرای قوانین در اجتماع اسلامی وظیفه عمومی است که به عهده همه مردم می‌باشد. باید دانست که بدون اشکال در این زمان که پیامبر صلی الله علیه وسلم جهان فانی را وداع گفته، امر حکومت به دست خود مسلمین سپرده شده که با در نظر گرفتن روش رسول خدا که روش خلافت نیز بوده است، حاکمی را انتخاب کنند که احکام دین را بدون تغییر اجرا کند و در مورد حوادث جزئی و روزمره از راه مشورت با مسلمانان تصمیم بگیرد. دلیل این امر به این آیه شریفه است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ٢١)

٨- دولت یا نظام اسلامی مبتنی بر احکام شرعی می‌باشد که توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به صورت وحی در جامعه تشریع شده است درحالی که قوانین نظام جمهوری و دموکراسی بر خرد و عقل بشری استوار می‌باشد.

٩- در دولت یا نظام اسلامی اطاعت از حاکمان واجب شرعی شمرده می‌شود، درحالی که در نظام‌های جمهوری دموکراسی کنونی چنین نیست و هیچ رابطه‌ای در آن، بین اطاعت از حاکم و ایمان و عصیان به خدا و دین خدا وجود ندارد.

١٠- معارضه با رئیس دولت اسلامی بغاوت و نفاق شمرده می‌شود و مستلزم مجازات‌های شرعی و نیز عقاب اخروی می‌باشد اما در نظام‌های دموکراسی هرگونه معارضه و عصیان تنها مستوجب مجازات دنیوی و قوانین عرفی شمرده می‌شود و بس.

١١- قوانین نظام اسلامی که مبتنی بر کتاب و سنت است علی‌الاصول جنبه تقدس دارد بنابراین، قوانین نظام اسلامی مشروعیت دینی دارد و از قوانین بشری بیشتر در نفوس مردمان خضوع و تسلیمی ایجاد می‌کند.

١٢- چون قوانین نظام اسلامی بر اساس کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم استوار می‌باشد، جاودانه است و هیچ حرف و حکمی از آن تا پایان دنیا تغییر

نمی‌کند و هرچه در آن است صدق و حق می‌باشد و باطل به او راه نمی‌یابد و ازلی و ابدی است اما قوانین و نهادهای نظام جمهوری و دموکراسی مبتنی به‌نوعی از قوانین اساسی است که همواره در معرض صواب و خطا، حق و باطل، حذف و اضافه و تغییر و تجدیدنظر بنیادی است و شأنی از جاودانگی و ابدیت ندارد و مطلق با خواست واداده صاحبان حاکمیت (مردم) دچار تحول می‌شود.

۱۳- حاکم در نظام اسلامی از آن حیث که بنا بر موازین شرعی تعیین شده، فرمانبرداران (مردم) تا زمانی که حاکم شرایط تعیین‌شده را دارد، حق عزل یا تحدید اختیارات و سلطه آن را ندارند، زیرا حاکم از طرف شرع مشروعیت گرفته‌اند و مخلوق محال است که آن را نقص کنند، اما حاکم در نظام جمهوری و دموکراسی به‌گونه‌ای هستند که مردم به طرق مختلف می‌توانند آنان را عزل و یا قدرتشان را محدود کنند.

١٤- حاکم در نظام اسلامی تا زمانی که واجد شرایط احراز شده و از پیش تعین یافته در شریعت است، دوره حکومتش غیر محدود می‌باشد و جز با زوال شرایط یا مرگش برکنار نمی‌گردد اما حاکم در نظام جمهوری و دموکراسی دوره حکومت محدود، موقت و از پیش تعین شده در قانون اساسی یا عرف جامعه دارد و یا در نظام‌های استبدادی و غیر دموکراتیک با زور شمشیر رقبا وابسته می‌باشد.

١٥- مهم‌ترین دغدغه و وظیفه یک حاکم در نظام اسلامی اجرای شریعت و اطمینان از رضایت خداوند است با وجودی که در جامعه دینی رضایت مردم نیز از تطبیق شریعت شرط می‌باشد. درحالی‌که مهم‌ترین وظیفه و هدف در نظام جمهوری و دموکراسی کسب رضایت مردم از راه تأمین منافع و مصالح عمومی آنان است بدین ترتیب، افکار عمومی مهم‌ترین مشروعیت نظام دموکراسی را شکل می‌دهد.

١٦- حاکم در نظام اسلامی به لحاظ ولایت شرعی که دارد از امکانات مالی و مشروعیت وسیع‌تری نسبت به رئیس نظام‌های جمهوری و دموکراسی برخوردار می‌باشد، حاکم نظام اسلامی حق دارد که تمام وجوهات شرعی از قبیل زکات، خمس، فیء و غیره را دریافت و مطابق تشخیص خود هزینه کند و همین ویژگی، آزادی عمل بیشتری را در زمینه‌های اقتصاد، دفاع و فرهنگ به حاکمان دولت اسلامی اعطا می‌کند درحالی‌که برای حاکمان نظام‌های غیردینی و جمهوری محدودیت‌هایی وجود دارد که در قانون اساسی و به‌طور سالانه در قوانین مصوب مجلس و پارلمان منظور می‌شود و دولتمردان هرگاه از حدود تعریف‌شده در بودجه سالانه تجاوز کند، مشروعیت خود را از دست می‌دهد.

به‌هرحال تمایزات پیش‌گفته، مهم‌ترین تفاوت‌ها بین دو نوع نظام اسلامی و جمهوری است و همین تفاوت‌ها نشان می‌دهد که دولت اسلامی سیمای عمومی منحصربه‌فرد دارد. نوع خاصی از انواع دولت است که بنا به تعریف، حاکمیت از آن خدا و شریعت است و از این حیث حکومت و حاکمان سهمی از قداست و معنویت دارند که نظام‌های غیر اسلامی از چنین ممیزات برخوردار نمی‌باشند.

بنابراین استدلال نمی‌توان از ادیان آسمانی به‌طور عام و از دین مبین اسلام به‌طور خاص انتظار ایجاد دموکراسی کرد و هیچ دینی آسمانی تا هنوز چنین ادعایی نکرده است، اما می‌توان بر اساس دین، حکومت ایجاد کرد و شاهد حکومت‌های چند رنگ اسلامی باشیم مثلاً از حکومت پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه وسلم گرفته تا خلافت‌های راشده و امارت و دولت.

لهذا ای ملت قهرمان! به عبارت روشن‌تر بشنوید، اگر خواستار دموکراسی هستید، نه می‌توانید اعتقاد دینی را نقطه آغازین قرار دهید و نه می‌توانید دونقطه حرکت توأماً داشته باشید، یعنی هم مسلمانی و هم شهروندی. ضرب‌المثلی که می‌گویند دوتا هندوانه با یک دست گرفته نمی‌شود، یا به‌عبارت‌دیگر نظام اسلامی و نظام جمهوری و دموکراسی همچون دنیا و آخرت انباغ‌های یکدیگر هستند، خرسندی یکی از آنان، دیگری را آشفته می‌سازد پس از نظام‌های بیگانه و غیر اسلامی حذر کنید و بر نظام اسلامی که متضمن سعادت دنیا و آخرت همه ما است، روی‌بیاورید و آن را با جان و دل بپذیرید.

ارمغان پیروزی

(به مناسبت سالگرد روز تاریخی دهم حوت ۱۳۹۸ هـ.ش)

✍️ مولوی نعیم الحق حقانی

خداوند کریم و منان را بی‌نهایت سپاسگزاریم که امروز در روز بزرگ دهم حوت به ما توفیق حضور در این مجلس پرنور عنایت فرمود، این روز خجسته و تاریخی را در حالی گرامی می‌داریم که جان‌برکفان ما (مجاهدین غیور امارت اسلامی افغانستان) در سنگرها همچنان حضور گرم و پرشور داشته و همگام با بزرگان سیاسی خود همانند گذشتگان پرافتخار متعهد به تمام تعهدات خویش با جانب مقابل هستند و پایبندی به تعهد را یک اصل مهم در جریان مبارزات نظامی - سیاسی خویش دانسته و در اطاعت از فرامین رهبری در دنیا کم‌نظیر هستند.

می‌خواهم در این مختصر فرصت بگویم که مجاهدین غیور امارت اسلامی چگونه به اینجا رسید و از چه مراحل سخت و دشوار و پرفرازونشیب گذشتند، داشتن افتخار و رسیدن به چنین روزها در وهلهٔ نخست، فضل و احسان بیکران رب‌العالمین است که اگر نبود فضل و نصرت او ما هم اینجا نبودیم. بلی افتخار چنین ایام، حاصلِ سالیان جنگ و مبارزه بر ضد دشمنان آب‌وخاک ما بود، حاصلِ دعای مخلصین و قربانی‌های بی‌مثال ملت مبارز و فداکار ما بود، مجاهدین امارت اسلامی به دنیا نشان داد که به مقدسات دین مبین اسلام تا کجا متعهد و پایبند بوده و به خاطر اسلام، قرآن، دین و سرزمین خود حاضر به چه فداکاری‌های بی‌مثال‌اند، فداکاری‌های که دوست و دشمن بدان معترف بوده و بر غیرت و مردانگی، رزمندگی و صلابت ما انگشت‌به‌دهان مانده و شجاعت و حریت طلبی ما را فوق‌العاده می‌ستایند.

امارت اسلامی افغانستان صاحبِ پالیسی روشن، دیپلماسی قوی، مبارزانِ مخلص، علمای دعوتگر، جوانان رشید و فداکار، مِلتی سلحشور و بسی اهل‌دل را همراه بوده و با همان «توکل محض» که رهبر عالی‌قدر مرحوم امیرالمؤمنین «ملا محمد عمر مجاهد» رحمت‌الله علیه مبارزهٔ خویش را اعلان فرموده در همان مسیر تاکنون گام برداشته و به آرزوی نیل به سعادت دنیا و آخرت تا قله‌های بلند پیروزی پیش رفته و همچنان با توکل بر ذات یگانهٔ حق بر استیج بلند دنیا ایستاده شده و صدای حق‌طلبانه و آزادی‌خواهی خویش را به گوش جهان و جهانیان رسانیده و می‌رساند.

مجاهدین امارت اسلامی افغانستان به ملت خود، کشورهای منطقه و جهان نشان داده که آن‌ها صلح واقعی را برای مردم شریف و کشور عزیز خود تعقیب کرده و می‌خواهند، آن‌ها دراین‌باره با دنیا سخن گفته و خبرگان سیاسی دنیا را متقاعد کردند که جهاد و مبارزه‌شان یک حق مسلم و مشروع یک ملت آزاده بوده و تا دستیابی به آرمان آزادی و استقلال واقعی کشور خویش به چیزی کمتر از نظام مقدس اسلامی قناعت نکرده و راضی نمی‌شوند.

آری!

آرمان ما آرمان شهدای ماست، آرمان ما آرمان تاریخ پرافتخار ماست، آرمان ما آرمان قیام تاریخی ملت قهرمان کابل در سوم حوت ۱۳۵۸ هجری شمسی و آرمان شهدای گلگون‌کفن ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هجری شمسی ملت شریف هرات است، آرمان ما آرمان رهبران عالی‌قدر و مجاهد صفت ما است که در راه آن آرمان مقدس کباب شدند!

بلی آرمان ما نظام مستقل اسلامی است آن‌چنان نظام اسلامی که تمام افغان‌ها در آن عزت، امنیت، رفاه، آرامش و خوشی را به‌طور واقعی احساس و لمس کنند و از مزایای عالی آن بهره‌مند شوند.

نظام اسلامی که پس از رسیدن به آزادی و استقلال واقعی، بازسازی اقتصاد و زیربناهای کشور، نجات از بحران‌ها و چالش‌های تفرقه‌افکنانه، ختم تعصبات قومی و نژادی و ایجاد وحدت و اتفاق به معنی واقعی کلمه در گوشه گوشهٔ افغانستان در اولویت آن نظام قرار دارند. آن نظام اسلامی که علمای کرام ما در آن احساس امنیت کرده، اقشار تحصیل‌کرده و کدرهای علمی ما صیانت شده، ملت مسلمان ما به سیمای اسلامی و مفاخر علمی و ملی خود بالیده و به ارزش‌های واقعی آراسته و مزین شوند.

آن نظام اسلامی که در آن خواهر و مادر ما به کرامت لازم رسیده و به اقشار ستمدیده ترحم شده، فقر از جامعه زدوده شده و ملت بی‌بضاعت ما از ظلم ظالمان و شر خائنان نجات پیدا کند.

نظام اسلامی که جوان مسلمان ما از داشتن محاسن خود شرم نخورده، مورد شماتت قرار نگرفته و خدای‌نخواسته بی‌عزت نشود، چنان نظامی که ترس و یاس بر ملت حاکم نبوده، شاهراه‌ها و ذخایر مادی و معنوی، علمی و هنری و سرمایه‌های عظیم کشور عزیز ما صیانت شود.

وقتی سخن از نظام اسلامی می‌آید تنها کسانی از آن احساس ترس و یاس می‌کنند که دستشان در خون ملت رنگین، دستشان در خیانت و غصب اموال و اراضی ملت دخیل، تمامشان در فساد اداری و اخلاقی غرق و از نامِ اسلام و نظامِ اسلامی وحشت دارند؛ وگرنه آمدن نظامِ مستقل و مشروع اسلامی که ارزش‌های اسلامی در آن رعایت و صیانت شود، آرزوی فرد فرد ملت مسلمان ماست.

در نظام اسلامی اولین چیز که حاکم می‌شود و ملت مسلمان ما به آن اشد ضرورت دارد امنیت واقعی و سرتاسری است، صیانت جان و مال است، ریشه‌کن شدن اختطاف‌ها، ترورهای کور، برچیده شدن بساط فساد، اختلاس و دزدی‌ها و غارت اموال مسلمانان است صیانت از کیان مقدس اسلام است؛ آنچه امروز شب و روز از سوی ادارهٔ کابل کوشش می‌شود این است که در چشم مردم خاک پاشیده و مجاهدین امارت اسلامی را در چشم و گوش مردم بد جلوه دهند.

اما، اما ملت عزیز ما بشنوند و بدانند که:

فرزندان غیور آن‌ها (مجاهدآنجان‌برکف امارت اسلامی) حماسه‌سازان تاریخ پرافتخار دهم حوت و جانبازان و سربازان فداکار اسلام برای ملت خود پیغام امن و صلح را با خود داشته و برای همه پیام عفو و محبت را به همراه دارند، آنانی که هم‌اینک در ساحات تحت تصرف مجاهدین امارت اسلامی زندگی می‌کنند بهتر معنی این جملات و عبارات را درک کرده و می‌دانند که ما چه می‌گوییم، چه می‌خواهیم، چه می‌کنیم؛ متأسفانه مشکل اساسی که دشمنان همواره ایجاد کرده است این بوده که ما را در رسانه‌های زرخرید خود بد تبلیغ کرده و می‌کنند ما به ملت خویش اطمینان می‌دهیم که بیایند ما را از زبان خود ما بشناسند، ما را از زبان ما قضاوت کنند، ما را در کردار و گفتار ما پیدا کنند که چه‌بسا در آن‌ها بسی تحول پیدا خواهد شد؛ وقتی ملت ما آگاه شوند که توصیه رهبری عزیز ما در مورد ملت شریف چه اندازه دلسوزانه و خیرخواهانه است، در مورد علمای کرام، در مورد حقوق اقلیت‌ها و در تمام مسائل چگونه نظر و پالیسی داریم حتماً ملت ما بر حقانیت گفتار و پندار ما بهتر آشنا شده و خوب‌تر فیصله خواهند کرد؛ پس لطفاً ... لطفاً ما را از زبان و چشم رسانه‌های ضد ما قضاوت نکنند بلکه بشنوند صدای ما را از مطبوعات خود ما، از رسانه‌های خود ما، از رسانه‌های آزاد و مستقل و تمام ژورنالیست‌های بیدار ضمیر ...

ملت ما، ما را از سایت‌های ما تعقیب کنند اگر

پیمان دوحه، مجاهدین و مبارزهٔ برحق آن‌ها را مشروعیت معنوی و سیاسی بخشید و این درواقع بخشی از نتایج سال‌ها مبارزه بود که محقق گردید، ملت مسلمان ما که بیشترین دردها و رنج‌ها را بالخصوص در دو دههٔ اخیر متحمل شد در آن روز تاریخی به معنی واقعی کلمه به زندگی، امید، خوشبختی، آزادی و استقلال لبخند زد.

می‌خواهند در مورد ما بخوانند و بیشتر مطالعه کنند به کتاب‌ها و مجله‌های رسمی ما مراجعه کنند ما را از شخصیت‌های ارزشمند ما قضاوت کرده و به مطالعه بگیرند، ما از این تریبون و هر تریبون دگر که صدای آزادیخواهی ما را به ملت شریف ما انعکاس دهد می‌گوییم:

ای ملت بزرگوار افغانستان!

بدانید و خوب مطمئن باشید که مجاهدین فرزندان شما و از خود شماست، مجاهدین در حدود نزدیک به بیست سال کامل مبارزه را در همکاری شما ملت غیور دانسته و به آحاد ملت شریف خود ارج گذاشته و احترام دارد، مجاهدین در همه حال و در همه‌جا در فکر رفاه، آزادی و آبادی سرزمین شما و ایجاد فضای آرامش واقعی برای شما ملت عزیز بوده و هست و این تمام قربانی‌های موجود به خاطر آمدن و بقاء و رشد ریشه‌های نظام اسلامی و اعادهٔ عزت و حیثیت واقعی ملت مسلمان ماست.

آنچه در سال پار در چنین روزی (دهم حوت سال ۱۳۹۸) به امضای مجاهدین امارت اسلامی افغانستان و ایالات‌متحدهٔ امریکا رسید آن روز درواقع روز ملت ما بود، آن پیمان به نفع هر دو کشور (افغانستان و امریکا) بود، آن گفتمان سیاسی یک‌راه سنجیده، دقیق و معقول بود، راه دیپلماسی و باور و پذیرفتن مشروعیت مبارزهٔ برحق ما، ما در طول دقیقاً یک سال به همه نشان دادیم که تا چه حد به این پیمان متعهد بوده و هستیم چون تأکید رهبری ما طبق ارشادات دین مبین اسلام به پایبندی و تعهد به اصول و معاهدات است، پس برای امریکا و ائتلاف ناتو نیز بهترین شرایط مهیا شده است که مطابق پیمان دوحه کشور عزیز افغانستان را ترک گفته و بگذارند افغان‌ها باهم به صلح و امنیت واقعی دست پیداکرده و مشکلات و چالش‌های فراوان که به سبب دوام اشغال در این کشور ایجاد گردیده حل و تمام گردد.

بگذارند ملت و کشور عزیز افغانستان اولاد فداکار خود را در افغانستان ببینند، بگذارند فرزندان رشید مکتب عمری و منصوری تحت هدایت شیخ صاحب و معاونین محترمشان حفظهم‌الله افغانستان عزیز را به‌جایی برسانند که حق این وطن مظلوم است، بگذارند آزادیخواهان مجاهد، دردها را التیام بخشیده، اشک‌ها را پاک‌کرده، خوشی‌ها را پیوند زده و لبخند عزت و آزادی را بر لبان داغ بستهٔ ملت شریف خویش به ارمغان آورند.

پیمان دوحه، مجاهدین و مبارزهٔ برحق آن‌ها را مشروعیت معنوی و سیاسی بخشید و این درواقع بخشی از نتایج سال‌ها مبارزه بود که محقق گردید، ملت مسلمان ما که بیشترین دردها و رنج‌ها را بالخصوص در دو دههٔ اخیر متحمل شد در آن روز تاریخی به معنی واقعی کلمه به زندگی، امید، خوشبختی، آزادی و استقلال لبخند زد.

و آنچه به ارمغان آمد، پیروزی ملت نام گرفت، توسط مجاهدی که از متن همان ملت سلحشور تفنگ بر شانه کشیده و قلم حقیقت را به دست گرفت.

بسیاری‌ها می‌پرسند که در رسانه‌ها دائماً در مورد طالب و مجاهد بد گفته‌شده و اگر ما بخواهیم طالب و مجاهد را از زبان خودش بشنویم برای ما چگونه معنی می‌کنید برایشان ضمن احترام فراوان می‌گوییم:

ای ملت شجاع و قهرمان افغانستان!

اگر بخواهیم طالب و مجاهد را خلاصه معنی کنیم؛ طالب یعنی مجاهد و مجاهد یعنی عزت، یعنی اقتدار،

یعنی چکیدهٔ غیرت، یعنی آرمان پاک شهدا، یعنی دعای خیر پدر و مادر، خلاصهٔ حمیت و تعصب دینی، یعنی ایثار، طالب یعنی فداکاری، یعنی مجاهده، طالب یعنی مجاهد استشهادی و سر بکف سنگر اسلام، طالب یعنی شاگرد مخلص و دعای قبول‌شدهٔ علمای ربانی، طالب قوت قلب مسلمانان، طالب یعنی ایستادگی، طالب یعنی قاطعیت و صلابت؛ طالب یعنی فرزند سلحشور هندوکش و پامیر، طالب یعنی تکرارکنندهٔ تاریخ پرافتخار نیاکان غیور دیروز و خلاصه طالب یعنی باور، یعنی صداقت، طالب یعنی تعهد، یعنی آزادگی و آزادیخواهی، طالب یعنی مبارز خستگی‌ناپذیر، مجاهد دل‌پذیر و تسلیم‌ناپذیر، طالب یعنی بنده به‌حق، طالب یعنی دعای نیمه‌شب مادران و پدران افغان زمین، طالب یعنی چشم امید مسلمانان، طالب یعنی پیروزی و طالب یعنی افغانستان!

بعدازاین اگر بازهم کسانی طالب یا مجاهد را هنوز هم فکر می‌کنند که می‌توانند از مرگ، زخم، زندان، هجرت و غیره بترسانند برایشان شعر یکی از شعرای معاصر کشور (محترم جمال آخوندزاده) را به زمزمه می‌گیریم که گویای حقیقت حال مجاهد است:

زخم یعنی زینت اندام ما
هرکجا ناله ست جوشد نام ما

ما تفنگ‌ها را به خون خو داده‌ایم
ما به آتش‌ها تکاپو داده‌ایم

خشم توفان‌ها زما آبستن است
قله‌های عشق ما را مدفن است

موج یعنی قوت بازوی ما
مرگ اگر مرد است آید سوی ما

ما از آن‌سوی شهامت آمدیم
ما به دیدار شهادت آمدیم

آمدیم از جنگ، اما خسته نه
دست بشکسته به گردن، بسته نه

کوله بار ما همه ایثار عشق
مقصد ما دوستان دیدار عشق

می‌رویم لبریز از گرداب خون
می‌رویم مستانه تا شط جنون

هم رکاب سجده تا محراب عشق
خالی از افسانه گرم خواب عشق

دست ما طغیانگر و بی‌حوصله
گام‌ها مان همچو بال چلچله

می‌رویم آنجا که نامش آشناست
می‌رویم آنجا که سر از تن جداست

می‌رویم افتان و خیزان موج موج
تا اقامتگاه یاران تا به اوج

کوه یعنی گام‌های سخت ما
آتش و خون است هر جا رخت ما

از برادر پای او را دیده‌ایم
از پدر دستش فقط بوسیده‌ایم

سینه مادر به خنجر چاک شد
چادر خونین خواهر خاک شد

کودکانیم و پدر گم کرده‌ایم
عید، بر عکسش تبسم کرده‌ایم

بوسه جز سیلی هجران نیست نیست
جز پدر درمان طفلان نیست نیست

ما به شب مهتاب برپا می‌کنیم
انقلاب ناب برپا می‌کنیم

باز می‌سازیم ما سرچشمه را
برج‌های خستهٔ اندیشه را

تا تولد باز می‌تازیم ما
بازهم محراب می‌سازیم ما

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

کارزار سیاست؛

طالبان و رژیم کابل



درخشندگی و دستاوردهای طالبان در عرصه سیاسی، کمتر از موفقیت‌های آن‌ها در عرصه نظامی نیست. طالبان سائر فرصت‌های سیاسی را برای پایان دادن معضل افغانستان باکمال شایستگی به کار برده‌اند و برخلاف آنچه همواره تبلیغات می‌شد؛ ثابت نموده‌اند که بر حل سیاسی و صلح‌آمیز بحران چند دهه کشور باور دارند. پیمان تاریخی دوحه نه‌تنها بیان‌گر لیاقت فوق‌العاده سیاسی طالبان، بلکه نسخه کارگر برای رسیدن به حل واقعی معضل افغانستان نیز است؛ اما این درخشندگی سیاسی طالبان، مشکل حلقات جنگ‌طلب در داخل و خارج از افغانستان را فزون‌تر ساخته است.

مشکل ارگ‌نشینان قابل‌درک است. آن‌ها که قدرت رویارویی نظامی با طالبان را ندارند، می‌خواهند با سبوتاژ ساختن پروسه سیاسی، زمینه را برای دوام حضور نیروهای اشغالگر مساعد سازند؛ یعنی تنها از بین رفتن پیمان دوحه و یا به‌اصطلاح ترامپ «مردنِ مذاکرات» می‌تواند بقای آن‌ها را برای چند روز دیگر تضمین کند. از همین است که با تمام سراسیمگی، برای متشنج و پرتنش ساختن وضعیت سیاسی دست و پا می‌زنند.

آن روزگاری را به‌خوبی یاد داریم که اداره دست‌نشانده کابل برای اثبات مشروعیت سیاسی و جهانی و حتی مشروعیت دینی خود به جلسات و کنفرانس‌های فرمایشی اتکا داشت و غائب بودن طالبان از آن جلسات و کنفرانس‌ها را ضمن توجیهات دلخواه؛ به معنای گریز طالبان از استیژ سیاسی نشان می‌دادند. حالانکه همه می‌دانستند آن جلسات و کنفرانس‌ها به فرمایش امریکا دایر می‌گردید و با آجنداها و اعلامیه‌های از پیش تعیین‌شده برگزار می‌شد و هرگز نقش عمده و سازنده‌ای برای حل بحران افغانستان نداشت.

اما امروز که وضعیت دگرگون شده است، مقامات کابل مفرّی از جلسات و کنفرانس‌ها ندارند. در نشست اخیر مسکو که تقریباً سایر

جهت‌های سیاسی افغانستان دران نمایندگی داشتند؛ نمایندگان طالبان بدون تردد، اما مقامات کابل با ترددهای زیادی شرکت نمودند. مقامات کابل که در سالیان گذشته با نشست‌های بین خودی و نمایشی عادت کرده بودند، اما در مسکو نه‌تنها چیزی برای گفتن، بلکه شاید تاب شنیدن هم نداشتند. از سوی دیگر، طالبان در این اواخر نسبت به سائر جهت‌های افغانی، در کنفرانس‌ها و نشست‌های مختلف، خوب درخشیده‌اند و نقش سازنده داشته‌اند.

محب و امثال او در حالی بر نبوغ سیاسی خود می‌بالند و فخرفروشی می‌کنند که جنازه سیاستشان آماده‌ی دفن شدن است. بیماری درمان‌ناپذیر غلامان استعمار این است که از جرئت اخلاقی کاملاً بی‌بهره می‌باشند، وگرنه همین رسوای برایشان بسنده بود که در مذاکرات سرنوشت‌ساز بین طالبان و ایالات‌متحده چگونه نادیده گرفته شدند و حتی اجازه حرف گفتن و مشوره دادن به آمریکایی‌ها را نداشتند؛ اما این از کمال چشم‌سفیدی مقامات خودفروخته کابل است که هنوز از «سیاست» لاف می‌زنند و خود را غواص بحر بی‌کنار سیاست می‌دانند.

آنگاهی که عوغ به فردای به قدرت رسیدنشان سند فروش کشور به امریکا را به بهانه پیمان امنیتی امضا کردند، افغان‌ها همان زمان درک نمودند که این عالی‌جنابان از کوچه سیاست گذری هم نکرده‌اند، این‌ها معامله‌گرانی‌اند که کشور فروشی و ملت فروشی را سیاست دانسته‌اند. شاید اقبال لاهوری به امثال این‌ها گفته است که: قومی فروختند و چه ارزان فروختند.

اما بالمقابل، این طالبان بودند که هرگاه پس از مذاکرات هجده‌ماهه، پیمان پایان اشغال را با ایالات‌متحده امضا نمودند، کسی را مجال لعن و طعن نبود، بلکه این کارنامه سیاسی طالبان جهان را انگشت به دندان و افغان‌ها را سربلند و

مشکل ارگ‌نشینان قابل‌درک است. آن‌ها که قدرت رویارویی نظامی با طالبان را ندارند، می‌خواهند با سبوتاژ ساختن پروسه سیاسی، زمینه را برای دوام حضور نیروهای اشغالگر مساعد سازند؛ یعنی تنها از بین رفتن پیمان دوحه و یا به‌اصطلاح ترامپ «مردنِ مذاکرات» می‌توانند بقای آن‌ها را برای چند روز دیگر تضمین کند.

کامران ساخت. این کامیابی بزرگ طالبان بود که نزده سال پیش با داعیه‌ی که به جهاد و مقاومت مسلحانه آغاز کرده بودند، حقانیت آن داعیه‌ی خود را در عرصه سیاست هم ثابت نمودند و بر همگان قبولاندند. امروز پیمان دوحه تنها به این مورد نقد و جرح قرار می‌گیرد که آن کاملاً به سود طالبان است و مورال طالبان را بلندتر ساخته است.

واقعیت این است که طالبان در سیاست معاصر جهان پیمانه‌ها و معیارهای جدیدی تعیین نموده‌اند. دستاورد سیاسی طالبان در نظم نوین جهانی بی‌نظیر و بی‌شائبه است. ترددهای که درباره‌ی عملی شدن کامل این پیمان وجود دارد، نمی‌تواند از حیثیت و وقعت تاریخی آن بکاهد. این یک رویداد تاریخی بود که جایگاه خود را در تاریخ تثبیت کرده است.

از برازندگی طالبان در عرصه سیاست است که هرگاه حمدالله محب، مشاور امنیت ملی رژیم کابل درایت سیاسی طالبان را مورد نقد قرار داد، هدف طنز و تمسخر آگاهان سیاسی و فعالان

> واقعیت این است که طالبان در سیاست معاصر جهان پیمانه‌ها و معیارهای جدیدی تعیین نموده‌اند. دستاورد سیاسی طالبان در نظم نوین جهانی بی‌نظیر و بی‌شائبه است. تردیدهای که درباره‌ی عملی شدن کامل این پیمان وجود دارد، نمی‌تواند از حیثیت و وقعت تاریخی آن بکاهد. این یک رویداد تاریخی بود که جایگاه خود را در تاریخ تثبیت کرده است.

رسانه‌های اجتماعی قرار گرفت. همچنان واکنش ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی امارت اسلامی محب را شرمسارتر ساخت.

مجاهد در تویت خود نوشته بود: «اگر سیاست عبارت از فریب، تقلب، غلامی و به هدف رسیدن از راه‌های منحرف باشد، بدون شک طالبان آن را نمی‌دانند و غلامان اداره کابل در آن ماستری دارند. اگر سیاست عبارت از موقف شرعی، منهج نبوی، استقامت و مردانگی باشد، طالبان پیشتازان در این عرصه هستند. سران اداره کابل که بیست سال می‌شود مصروف غلامی هستند، ما را به‌مثل خود گمان می‌کنند.

اگر مجاهدین امارت اسلامی مستقل و ممثلین واقعی این ملت نمی‌بودند، همچو شما خود را از دست ملت توسط اشغالگران خارجی محافظت می‌کردند و به آن‌ها تضرع و زاری می‌کردند».

بلی، مقامات کابل که از ابتدا هم اعتبار و باوری نزد ملت خود نداشتند، اکنون بار دوش آقایان خارجی خود هم شده‌اند. همه جهت‌های جهانی و منطقه‌ای که در نوزده و بیست سال گذشته، به‌گونه‌ای از گونه‌ها از دولت دست‌نشانده کابل حمایت می‌کردند، اکنون شاید اجماع بر این دارند که دوام حمایت از این دولت بی‌درایت، دیگر سود و معنای ندارد. چنانچه حامیان همیشگی رژیم کابل ظاهراً آماده‌اند به‌جای پافشاری بر بقای این دولت بی‌کفایت، باید به‌پیش بروند و روی نسخه‌های بدیل فکر کنند؛ اما مقامات کابل هنوز آماده نیستند که دست از زاری بگیرند.

اگر از مشروعیت دینی بگذریم، اصلاً این نظام بوسیده، مشروعیت و افادیت سیاسی خود را هم ثابت نتوانسته است، چیزی که برای نظام‌های دموکراتیک بسیار مهم و حیاتی است. اکنون یگانه چیزی که مقامات این نظام به دست دارند شعار دفاع از جمهوریت است؛ اما واقعیت این است که تیم جمهوریتِ ساختگی باتجربه‌های بیست‌ساله خود، امروز با دستان خالی، افکار پراکنده و اذهان شکست‌خورده به نشست‌ها و کنفرانس‌های مختلف می‌روند، به‌ویژه از گفتار و کردار ارگ‌نشینان چنان وانمود می‌شود گویا آن‌ها ناگزیر و ناچار شده‌اند تا در این‌گونه نشست‌ها حضور یابند. این به معنای این است که دولت کابل با همه دست‌وپا زدن‌ها و بهانه‌گیری‌ها در برابر پروسه صلح، همه چانس‌ها را از دست داده و اکنون ناگزیر شده است به‌فرمان آقایان خود راه برود. امروز در کل کشور هیچ صدای مردمی به حمایت این نظام و دولت شنیده نمی‌شود. از سیاسیون تا عامه مردم از افادیت این نظام و دولت و سیاست‌های شیطانی سران آن، دست شسته‌اند.



جهاد ریّان؛

الگوی بانوان مجاهد

✍ سعدالله بلوچی
ترجمه: ابوعمیر طارق

جهاد ریّان نمونه‌ای از بانوان مجاهد است که پنهانی می‌رزمند. امت اسلام سرشار ازاین‌گونه مجاهدان است. این امت هنوز هم چنین افرادی به دنیا می‌آورد. این امت عقیم نشده و نخواهد شد، زیرا امت اسلام امتی بخشنده و سخاوت‌مند است.

بله؛ این خواهر یکی از سربازان قافله پرافتخار اسلام است که در مسیر رسیدن به هدفِ خود هرگز احساس سستی و خستگی نمی‌کند و تیری از ترکش امت اسلام است که در مسیرِ برافراشته شدن بیرق اسلام تلاش می‌کند، سربازی است که دوست دارد همیشه پشت اسلحه‌اش بنشیند و مبارزه کند اما اسلحه‌اش کامپیوترش است. او سربازی است که پنهانی و به‌صورت خاموش می‌رزمد. به‌جز خداوند متعال کس دیگری او را نمی‌شناسد. از خداوند متعال می‌طلبیم که او را از هر گزند و آسیبی به دور نگه‌دارد و در عمر و جهاد و زحمات بی‌دریغش در مسیر اسلام و مسلمانان برکت نهد.

بله؛ امت اسلامی در مورد خواهرش، جهاد ریّان چیزی نمی‌داند، طبعاً بی‌خبری امت اسلامی از این بانوی مبارز هیچ ضرری به او نمی‌رساند. چون پروردگارش او را می‌شناسد و علم پروردگار کافی است. خداوند متعال نیکی‌هایش را برای روزی ذخیره می‌کند که در آن روز چیزی جز این‌چنین نیکی‌های پنهان سودمند نخواهد بود. اگر بحث تشویق و انگیزه دادن مطرح نبود هرگز پرده از این راز برنمی‌داشتیم و او را با پاداش‌های که خداوند برایش در نظر گرفته رها می‌کردیم، اما بنا بر فرمان خداوند که می‌فرماید: «وَحرّضِ المؤمِنین» گوشه‌ای از تلاش‌ها و خدمات این خواهر مجاهدمان را جهت تشویق و ترغیبِ دیگران یادآوری می‌کنیم تا چراغ هدایت و الگوی نیکی برای سایر خواهران مسلمان باشد و آن‌ها بتوانند مانند جهاد ریّان در دوره غربت و ذلت و خواری مسلمانان در گرم نگه‌داشتن میدان مبارزه نقش و مسئولیت جهادی خود را ایفا کنند. خداوند متعال در شرایط فعلی امکان نقش‌آفرینی در امور جهادی را برای مردان و زنان فراهم نموده است. اگر این فرصت را غنیمت بدانند و از آن به‌درستی استفاده کرده و ارزش آن را درک نمایند نعمت ارزشمندی از جانب خداوند متعال است. بدون شک

امت اسلامی در مورد خواهرش، جهاد ریّان چیزی نمی‌داند، طبعاً بی‌خبری امت اسلامی از این بانوی مبارز هیچ ضرری به او نمی‌رساند. چون پروردگارش او را می‌شناسد و علم پروردگار کافی است. خداوند متعال نیکی‌هایش را برای روزی ذخیره می‌کند که در آن روز چیزی جز این‌چنین نیکی‌های پنهان سودمند نخواهد بود. اگر بحث تشویق و انگیزه دادن مطرح نبود هرگز پرده از این راز برنمی‌داشتیم و او را با پاداش‌های که خداوند برایش در نظر گرفته رها می‌کردیم.

کسی که این توفیق برای او فراهم شود خیر بزرگی به او داده شده است. برادران می‌توانند اسلحه به دوش گرفته و در میدان نبرد شرکت نمایند تا اشغالگران غاصب را از سرزمین اسلامی برانند و زنان مسلمان می‌توانند تا حد امکان در رسانه‌ها مبارزه نمایند و خلای بزرگی را که در این زمینه وجود دارد با نشستن در خانه و فعالیت از طریق اینترنت به نفع جهاد و مجاهدین پر کنند زیرا جهاد فقط به جبهه‌های نظامی منحصر نیست. کسی که گمانش این‌چنین باشد دچار اشتباه شده است.

خواهران می‌توانند تا حد توان با قلم‌فرسایی، سهم گرفتن در حمایت از جهاد و مجاهدین در فضای مجازی، ساختن کلیپ‌ها و ویدیوهای جهادی، طراحی مجلات و کتاب‌های جهادی که در نوجوانان روح و انگیزه می‌دمد و یا فعالیت‌های دیگری که به جهاد رسانه‌ای کمک می‌کنند اسلام را خدمت نمایند. به‌این ترتیب می‌توانند چراغی باشند که دختران مسلمانان بتوانند با اقتباس از نورشان راه هدایت را دریابند. در شرایط ناگوار امروزی امت اسلامی چه اندازه به فداکاری‌ها و مبارزات همین مجاهدان رسانه‌ای نیاز دارد!

خواهر ما «جهاد ریّان» این فرصت طلایی را غنیمت شمرده و علاوه بر اینکه مسئولیت طراحی مجله اسلامی، جهادی و عربی «الصمود» را از عدد (۹۵) تا امروز (عدد ۱۸۱) به دوش دارد کارهای سخت و طاقت‌فرسای دیگری را که چه‌بسا مردان تنومند از انجام دادن آن عاجزند به‌تنهایی انجام می‌دهد زیرا وی تمام کلمات مقالات مجله را مرور می‌کند، تلاش زیادی برای ویرایش آن به خرج می‌دهد، سپس مجله را طبق سلیقه عالی و زیبای خود طراحی کرده و با بهترین و زیباترین فرم درمی‌آورد. علاوه بر موارد بالا؛ خدمات و فعالیت‌های بزرگ و چشم‌گیر دیگری را در وب‌سایت مجله الصمود عربی به دوش دارد. مقالات مجله را در سایت آن بارگذاری و نشر می‌نماید.

ایشان چنان فعالیت‌های شایسته و گسترده‌ی دارند که انجام دادنِ همهٔ آن‌ها در حقیقت به یک کادر حرفه‌ای نیاز دارد. اِین جهاد در راه خدا است. جهاد در راه خدا سطح قدرت و فعالیت انسان را خواه مرد باشد یا زن، پیر باشد یا جوان افزایش می‌دهد.

جهاد مسیری است که یک فرد و مجاهد گمنام را تبدیل به نابغه و ابرمردی می‌کند که چه‌بسا با یک ژنرال نظامی همسان می‌شود؛ ژنرالی که تمام عمر خود را در آموختن تاکتیکات و فنون نظامی زیر نظر یک دولت و داشتن تمام امکانات رزمی گذرانده است. این جهاد و شوق خدمت به دین مبین اسلام است که یک خواهر ضعیف را به چنین شخصی تبدیل ساخته که وظایف یک کادر حرفه‌ای را به‌تنهایی انجام می‌دهد. یگانه هدف او کسب رضایت خداوند است، نه پاداش می‌خواهد و نه از کسی انتظار تشکر دارد.

سبحان‌الله! به خواهر ارجمند خویش توصیه می‌نمایم! پایدار باشید - خداوند متعال شما را در طاعت و جهاد در راه خود پایدار نگه دارد - و مسیر خود را ادامه بدهید زیرا مسیر شما یگانه راه خوشبختی در دنیا و کامیابی در آخرت است.

پایدار باشید و کار خیرتان را ادامه دهید تا دین مبین اسلام سایه‌اش را بر تمام سرزمین‌های اسلامی گسترش داده و ریشه اشغال را از بیخ و بن براندازد.

پایدار باشید تا اینکه پرچم پرافتخار امارت اسلامی بر

خاک وطن عزیز ما به اهتزاز درآید.
ثابت‌قدم باشید و این خیر بزرگ را جهت کسب رضامندی خداوند متعال انجام دهید - همان‌طوری که در شرایط فعلی خدمات مذکور را انجام می‌دهید و کسب پاداشتان را به‌جز از خداوند از کس دیگری طلب نکنید و برای حصول این پاداش بزرگ عجله نکنید زیرا عمل نیک هرچند اندازه وزن یک مثقال باشد نزد خداوند متعال ضایع نخواهد شد «فَمَن يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خيْراً يَّره وَ مَنْ يَّعمَلَ مِثْقالَ ذرّةٍ شراًّ يَّره» (سورة الزلزلة: ۷-۸)
ثابت‌قدم باشید و در زمانی که نافرمانی‌ها عام شده‌اند و مردم تحت سیطره منافع شخصی قرارگرفته‌اند و خودخواهی بر روح و روانشان چیره شده است و هیچ انگیزه‌ای در میان مردم برای انجام دادن اعمال نیک، به‌جز مصلحت و منفعت شخصی نمانده است جهادتان را حریصانه ادامه دهید. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (الحج: ۷۷)
پس در مسیر خدمت به دین خداوند کوشا باشید و سنگرتان را محکم بگیرید. با پیش آمدن مشکلات سنگین خسته نشوید و آگاه باشید که راحت با خستگی و پیروزی با استقامت به دست می‌آید.
خداوند ابو تمام را رحمت نماید چه زیبا سروده است:

بصُرتُ بالراحة الكبرى فلم أرها
تُنال إلا على جسر من التّعب

یعنی: دنبال آسایش فراوان گشتم گمان نمی‌کنم کسی آن را به دست آورد مگر بالای پلی از خستگی‌ها.
امام ابن قیّم رحمه‌الله می‌فرماید: خردمندان تمام امت‌ها بر این سخن اتفاق‌نظر دارند که نعمت با راحتی به دست نمی‌آید و کسی که آسایش را بپسندد از نعمت محروم می‌ماند، لذت و خرسندی به‌اندازه هم‌رکاب شدن با حالات ناگوار و تحمل سختی‌ها حاصل می‌شود، کسی که غم و نگرانی نداشته باشد هرگز خرسند و خوشحال نخواهد شد و کسی که از صبر و شکیبایی کار نگیرد هیچ لذتی را احساس نخواهد کرد، شخصی که با بدبختی‌ها مواجه نشود نعمت را به دست نمی‌آورد و کسی که خسته نشود راحتی را حاصل نخواهد کرد، هر زمانی‌که انسان خسته شود و لو که مقدار خستگی‌اش اندک باشد استراحت طولانی به دست خواهد آورد و اگر مشقت صبر را یک ساعت تحمل نماید او را به زندگی ابدی رهنمایی می‌کند. آنچه صاحبان نعمت از آن برخوردار هستند نتیجه صبر یک‌لحظه است. خداوند مددکار است و هیچ قدرتی به‌جز قدرت خداوند وجود ندارد.
هراندازه که نفْس شریف‌تر و همت بالاتر باشد خستگی بدن نیز به همان اندازه بیشتر و بهره‌اش در آسایش ظاهری کمتر است همان‌طوری که متنبی می‌سراید:

و إذا كانت النفوسُ كباراً
تعبت في مرادها الأجسام

وقتی نفْس بلندهمت باشد بدن در رسیدن به خواسته‌هایش خسته می‌شود.

> جهاد مسیری است که یک فرد و مجاهد گمنام را تبدیل به نابغه و ابرمردی می‌کند که چه‌بسا با یک ژنرال نظامی همسان می‌شود؛ ژنرالی که تمام عمر خود را در آموختن تاکتیکات و فنون نظامی زیر نظر یک دولت و داشتن تمام امکانات رزمی گذرانده است. این جهاد و شوق خدمت به دین مبین اسلام است که یک خواهر ضعیف را به چنین شخصی تبدیل ساخته که وظایف یک کادر حرفه‌ای را به‌تنهایی انجام می‌دهد.





توصیه‌ای چند برای برادران مجاهد!



✍️ حافظ نورالله

برادران مجاهدین هم‌سنگران عزیز و شیران سر بکف امارت اسلامی از همه نخست
السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته!
به امید اینکه در حفظ و امانِ الهی بوده باشید.
خواستم نسبت به تجربه‌ها و فعالیت‌های بیست‌وشش (٢٦) سال کم‌وبیش سنگرداری، حراست، پاسداری، سفرهای طاقت‌فرسا، اسارت و نبردهای پیاپی نظامی و فکری علیه اشغال و فساد موارد زیر را یادآور باشم چون خیلی ارزشمند خواهد بود که نکات سازنده و خاطرات آینده‌نگر جهادی را باهم تذکر و ارزیابی نماییم.
الله متعال دراین‌باره می‌فرماید:
«وذَکّر فَاِنَّ الذِکرَ تَنفعُ المؤمنین»
مبارزین امت و پرچم‌داران کوه‌شکن اسلام از اینکه می‌بینم برخی از برادران ما اکثراً در تعذیب و تکلیف فکری و روحی دچار می‌باشند باید گفت چونکه ما بخاطر شریعت اسلامی از هیچ نوع تلاش و قربانی در عرصه دفاع از حریم دین مقدس اسلام و ارزش‌های اصول امارت اسلامی و اطاعت از امرای عزیزمان دریغ نمی‌نماییم لذا باید کوشید در هر حال در اخلاص و اطاعت کامل باشیم.
عزیزانم!
باید قبل از هر چیزی دیگر آرمان روزِ اول را فراموش نکنیم، همان روز که تمامی ساحات و فضا بر ما تنگ و تاریک بود آمریکا و هم‌پیمانانشان با کمک مزدوران داخلی از آسمان بمب‌های آتش‌فشان را چون ژاله بر جاهائی که نشان از ما باشد بی‌رحمانه سرازیر می‌نمودند.
به‌جز اندک مناطق و جغرافیا همه خاک و اراضی کشور ما زیر سلطه و اشغال آن‌ها قرارگرفته بود و هرروز بهترین و دلیرترین عزیزان خود را یکی پس از دیگری با خون و بارود و با آه و ناله دفن می‌کردیم و هرلحظه و آنی خود را در انتظار شهادت‌طلبی سپری می‌کردیم، سفرهای ما به لحاظ امنیتی چقدر مشکل بود، منزل دوساعته را به یک روز کامل منزل می‌کردیم، در فضا خوف خطرات هوایی و روی زمین خطر کمین‌های شبانهٔ دشمن و خطرات چاپه و غیره در هرلحظه در فکرمان اکثراً اوقات بود؛ زیاد حصه شب را در کمین یا بیداری در جایی ناآرام سپری می‌کردیم؛ در آن وقت جز شهادت و اقامه نظام خالص اسلامی دیگر چیزی مرام ما نبود باید همچنان در همان آرمان و آرزو هستیم ولی فقط می‌خواهم یک بار دیگر بعنوان تذکر و ارزیابی مطالبی را به اشتراک بگذارم.
برادران مجاهد! ای شیران امت اسلامی! موارد زیر را خط مقدم بدانید و فراموش نکنید که سعادت و منصب

بالاتر از این‌ها نخواهد بود:
۱. تقوا و تهجد را بالاترین مقام معظم امور زندگی‌تان قرار دهید تا الله متعال همه صعوبات و مشکلاتتان را حل نماید و از منصب و رزق غیرمترقبه از جانب الله رب العزة لذت ببرید و نتیجه توکل به خدا را شاهد و ناظر باشید زیرا الله متعال می‌فرماید:

«ومَن یتّقِ الله یَجعَل له مَخرَجاً و یرزُقْه مِن حَیث لایَحتَسِب ومَن یَتَوکّل عَلَی الله فَهُوحَسبُه»

وایضا قال تعالی «و مَن یتّقِ اللهَ یَجعَل له مِن اَمرِه یُسرًا»

حاصل مطلب این آیه نمایشگر اصالت و برتریت تقوا می‌باشد و تقوا را کلید تمام پیروزی‌ها جلوه می‌دهد، ای هم‌سنگرانم سعادت و نوازش بالاتر از تقدیر و نوازش الله متعال کجاست اگر منصب و نوازش می‌خواهید.

۲. در سنگر و پیره‌داری محکم و استوار باشید و اخلاق نیک اسلامی داشته باشید.

با انصار و رفقا و هم‌سنگرانتان برخورد نرم و مهربانی نمایید و همواره تلاش کنید تا در خدمت به امت و بیخ کن سازی اشغال خاکی تفکری از همه سبقت بگیرید چون‌که بزرگ‌ترین مکافات تقدیر و تمجید شما در این کار خواهد بود.

۳. با علما و روحانیون به‌ویژه آن حقانیون که فتوای جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام و اشغالگران غرب را داده‌اند و سبب همین شکوه عظیم صلح و پیروزی بوده‌اند ارتباط و تعامل داشته باشید و آن‌ها را فراموش نکنید زیرا آن‌ها در سخت‌ترین شرایط و اوضاع وحشتناک ما را به استقامت و پایداری فراخواندند و همیشه با ما انصار و هم‌نظر بوده‌اند.

٤. انصاری که روزهای شروع جهاد انصار سابقه و چهارده و پانزده سال گذشته با تحمل چقدر دشواری‌های مختلف به موترهایتان تیل و اسباب و به سلاح‌هایتان مرمی می‌رساندند را از یاد نبرید. آن‌هایی که در حاشیه اتاق خانه من و شماراجای می‌داد و در حاشیه دیگر اتاق با حصین و پرده فامیل و اولادشان موجود بود و اگر از طریق هوا و زمینی کدام مشکلی مواجه می‌شد با ما یکسان بودند.

٥. افرادی که با شما در صورت‌های مهم و حساسی هم‌نظر و همفکر بوده و در زمان‌هایی که شما حتی نمی‌توانستید به خانه خودتان بیایید زمینه خوردن و خوابیدن و آشامیدن را به امکانات بسیار خوب به‌قدر توان ترتیب و فراهم می‌نمودند را قدر کنید و به ایشان ارزش قائل باشید.

٦. مخصوصاً مسئولین را که از همه اول‌تر به شما تشویق و ترغیب جهاد را داده هیچگاه فراموش نکنید زیرا که با مشوره و ابتکار قوی و راهنمایی اسلامی‌شان شما را فرزندان رشید و آزاده اسلام ساخته و راه مستقیم و آزادگی را به شما نشان داده و شما را با بزرگان امارت اسلامی تعارف و تمایل داده‌اند؛ و اگر آن‌ها شهید شده‌اند از اولاد و بازماندگانشان حفاظت و سرپرستی نمایید بالخصوص در تعلیم و تربیت آن‌ها نقش داشته باشید تا شکار افکار دشمن نگردند؛ و اگر اسیر و زخمی شده‌اند نیز سرگروپ، دلگی مشر و بزرگ و ماتحت و مافوق شما تا حد توان کمک و همکاری به برادران و اهل فامیل آن‌ها داشته باشند.

از خانواده شهدا و اسرا و زخمیان در روزهای خیر و شر دلجویی و همنوایی نموده خود را به غم و شادی‌شان شریک سازید.

> باید قبل از هر چیزی دیگر آرمان روزِ اول را فراموش نکنیم، همان روز که تمامی ساحات و فضا بر ما تنگ و تاریک بود آمریکا و هم‌پیمانانشان با کمک مزدوران داخلی از آسمان بمب‌های آتش‌فشان را چون ژاله بر جاهائی که نشان از ما باشد بی‌رحمانه سرازیر می‌نمودند.

مجاهد استوار باش!

✍ عمر منصور

مجاهد استوار باش؛ چون از بدو پیدایش دنیا نبرد حق و باطل ادامه داشته و دارد، طاغوت‌پرستان همیشه در مقابل حق‌پرستان قد علم کرده و مزاحم راه حق بوده‌اند حتی هرازگاهی دیده شده است که گردبادهای باطل فرا راه حق وزیدن گرفته و حرکت حق را کند کرده است. بسا اتفاق افتاده تاریکی‌های باطل از درخشندگی حق کاسته است، البته هیچ‌گاه نتوانسته حق را از حرکت باز دارد و باعث از بین رفتن نور حق شود، هرگز نخواهد توانست.

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (الاسراء:۸۱)

ترجمه: «بگو: حق فرا رسیده است (که یکتاپرستی و آئین آسمانی و دادگری است) و باطل از میان رفته و نابود گشته است (که چندتا پرستی و آئین تباه و ستمگری است). اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است» (و سرانجام پیروزی از آن حق و حقیقت بوده و هست).

بالاخره حق پیروز گشته و نور حق آفاق را بیشتر از پیش روشن نموده است.

مجاهد استوار باش چون اگر نگاهی گذرا به گذشته‌ای نه‌چندان دور بیفکنیم، نگاهی به جهاد گذشته افغان‌ها، جهاد با انگلیس و جهاد با قشون سرخ شوروی، درخواهیم یافت که باطل‌گرایان، اشغالگران و مستعمران چقدر تلاش کردند تا نور حق را خاموش کنند و مجاهدین را از پا درآورند. از هر راهی که برایشان ممکن بود کار گرفتند؛ از تخریب، اختطاف و اختلاف‌افکنی گرفته تا قتل، کشتار، بمباردمان‌های هوایی و غیره، اما نتوانستند نور حق را از بین ببرند، حمیت و غیرت جهادی مردم مؤمن و مخلص افغان‌ها را در نطفه خنثی کنند، بلکه هر چه زمان می‌گذشت صلابت افغان‌ها نسبت به عقیده و دینشان بیشتر می‌شد. درنهایت مجاهدین پیروز شدند، متجاوزین و اشغالگران شکست فاحشی را متقبل شدند و آفتاب آزادی سایر آفاق را فرا گرفت.

مجاهد و هم‌سنگر عزیزم به گذشته نگاه کن و استوار باش که جنگنده‌های قشون سرخ شوروی با غرش‌های دل‌خراششان در میدان‌های هوایی این سرزمین به هدف اشغال نشستند، چه شدند؟

مجاهد جوان استوار باش چون خمپاره‌های ارتش پدر ندیده و مادر دریده شوروی، در فضای پاک این سرزمین در حال گشت بودند، با صدای آن بمب‌های خوشه‌ای که در فضا می‌پیچید، فغان و نالهٔ یتیمان و بیوه‌زنان در کوچه و پس‌کوچه‌های شهرها، دشت و دمن طنین‌انداز می‌شد، مادر برای یافتن فرزند دلبندش

از بین اجساد بی‌روح، دیوانه‌وار این‌طرف و آن‌طرف قدم می‌زد، طفلک معصوم و خو گرفته با مهر مادر بالای جسد بی‌روح مادر، نعره‌های مادر مادر را سر می‌داد؛ اما از جسد افتاده مادر چیزی نمی‌شنید.

آن جنگنده‌ها و خمپاره‌ها لاشه‌هایی بیش شدند؟

مگر آن‌ها در صفحات تاریخ عبرتی برای دیگران نشدند؟

مجاهد دلیر این درست است که در ابتدای جهاد و مقاومت آزادی ذلت دانسته می‌شد، بردگی عزت محسوب می‌شد، آزاداندیشان و آزادمردان یا در زندان‌ها بندهای بدنشان با انبرهای آهنین تکه‌تکه می‌شد و یا هم در کوه‌های بی‌آب‌وعلف، نان قاق می‌خوردند، زبانه‌های آتش اشغال خشک و تر سوزانده بود و از هر درودیوار شعارهای نامقدس و شوم سر داده می‌شد.

اما نهایت همهٔ این دبدبه‌ها و سرنوشت آن‌ها چه شد؟

آری نهایتاً حق پیروز گشت و پوزه خودکامگان، متکبران، متجاوزین و اشغالگران به خاک مالیده شد، جز شکست و ذلت چیزی دیگر عاید حالشان نشد، بلکه تعداد انبوهی از آنان مردار و مرتد شدند، عده‌ای زیاد هم معلول و معیوب شدند؛ و آن‌هایی هم که جان به‌سلامت برده بودند، به کمال خاری و زبونی به خانه‌هایشان برگشتند.

مجاهد و هم‌رزم عزیزم استوار باش از جهاد و مقاومت خسته و دلگیر مشو!

از ملامت و سرزنش عده‌ای نفهم و کم علم هراسی نداشته باش؛ چون فتح و پیروزی انتظار شما را می‌کشد.

مجاهد آزاداندیش و مرد راستین وطنم به آخر راه رسیده‌اید، اندکی دیگر هم تاب بیاور!

مجاهد غیور میهنم! مگر حکومت دست‌نشانده و کمونیست روس‌ها مثل اداره کنونی کابل نبودند؟

از این لاف‌ها و گزافه‌گویی‌های اداره مزدور تزلزل به خود راه نده! چون نجیب و امثالش از این‌ها کمتر نبودند.

مرد شجاع و دلیر میهنم! درواقع من و تو، خود را برای پذیرش مسئولیت‌های بزرگ آماده کنیم. اندکی بعد لانه خفاشان اشغال زده از بین می‌رود. ملت ستمدیده منتظر گام‌های من و تو است.

روزی آفتاب عزت و استقلال بعد از به پایان رسیدن شب تاریک و نامیمون اشغال، طلوع می‌کند و مجاهدین سربلند و سرافراز، فاتحانه به شهرها داخل می‌شوند.
زیرا سایه‌ی شوم حکومت دست‌نشانده اشغال از سر ملت مظلوم برچیده می‌شود.
ملت افغان و حتی جهان، به آزادمردان جهاد و مقاومت افتخار می‌کنند.

روزی آفتاب عزت و استقلال بعد از به پایان رسیدن شب تاریک و نامیمون اشغال، طلوع می‌کند و مجاهدین سربلند و سرافراز، فاتحانه به شهرها داخل می‌شوند.

زیرا سایه‌ی شوم حکومت دست‌نشانده اشغال از سر ملت مظلوم برچیده می‌شود.

ملت افغان و حتی جهان، به آزادمردان جهاد و مقاومت افتخار می‌کنند.

مجاهد استوار باش چون زود است که با صدای آزادی شور هلهلهٔ خنده‌ها و شادی به کنج کنج شهرها و اطراف بپیچد و مردم به روح شهدای آزادی و استقلال درود بفرستند.

مردم از فرط خوشی و خوشحالی همدیگر را به آغوش بکشند.

مجاهد استوار باش و از صحنه‌های درد و رنج، تکلیف و زحمات، زخمی شدن و شهادت، درگذشته و یا امروز، مبادا حرفی به زبان بیاورید؛ چون این سنت جهاد و مقاومت است که قبل از فتح و پیروزی صحنه‌های دردآور و لحظه‌های غم‌انگیز را با خود همراه دارد؛ چون باران نرم و خرم همیشه، پشت بادها پنهان بوده است.



تمدن غرب؛

(بخش اول)

معیارهای خوب و بد و راه نجات از فتنه‌های دجالی

✍️حکمت الله حکمت

کم‌وبیش در مورد دجال و فتنه آن معلوماتی نزد خوانندگان محترم باید باشد. هرچند در قرآن کریم به‌صراحت نام دجال نیامده و صرفاً طبق نظر بعضی از مفسران و علما، به فتنه او اشاره رفته است، اما در احادیث به کثرت و فراوانی نسبت به فتنه دجال مضامین مختلف بیان شده است. بعضی احادیث ماهیت این فتنه را بیان نموده و بعضی دیگر راه‌های حفاظت و نجات از آن را بیان داشته‌اند. با در نظر داشت این احادیث، این دیدگاه در میان مسلمانان جاافتاده است که ازآنجایی‌که ظهور دجال از علائم قیامت و نزدیک شدن وقوع آن است، پس قبل از آن خبری از فتنه دجال نیست. درحالی‌که ظهور دجال ناگهانی نخواهد بود و منتظران دجال که همان کافران باشند، زمینه را برای خروج او و پیروزی‌اش بعد از خروج، فراهم می‌کنند.

تفصیل این مجمل اینکه نام دجال از دجل گرفته شده و کار او فقط فریب‌کاری و حیله‌گری است. دجال غیرازاینکه یک شخص حقیقی است و در احادیث علائم و نشانه‌هایش بیان شده‌اند، یک تحریک و تفکر خاص نیز است. همان‌گونه که دجال به اذن الهی به بعضی امور خارق‌العاده توانایی پیدا می‌کند و باعث گمراهی خیل عظیمی از انسان‌ها می‌شود، هواداران تفکر او در حال حاضر به‌وسیله زور و زر و تزویر تلاش دارند دنیا را به سلطه خود درآورند، همه ملت‌ها را غلام خود قرار دهند و فرهنگ خود را فرهنگ غالب قرار داده و به افکار خود تقدس ببخشند. مصداق و نمونه بارز این تفکر در زمان ما تمدن غرب است. قدرت‌های غربی با تمام اختلاف‌نظرهایی که باهم دارند، در بسیاری امور مشترک‌اند. بی‌حجابی، بی‌بندوباری،

سوءاستفاده از زنانگی زنان برای مقاصد شخصی و تجاری و...، سوءاستفاده از شعارهای خوش‌نما مثل حقوق بشر و حمایت از اقلیت‌ها و... جهت مداخله در امور کشورهای دیگر، مقدس دانستن دموکراسی و معرفی آن به‌عنوان تنها راه نجات ملت‌ها و کشورها و... همه از مشترکات تمدن غربی است.

ضمن اذعان به این نکته که هرچه از غرب می‌رسد، ممنوع و بد نیست و چه‌بسا خوبی‌های اسلام را اهل فرنگ گرفته و ترقی نموده‌اند و خود مسلمانان عقب‌مانده‌اند. یکی از این موارد، علم و دانش است که مورد تأکید اسلام و غفلت مسلمانان امروزی واقع شده است. به قول شاعر مشرق زمین، علامه اقبال لاهوری:

قوت مغرب نه از چنگ و رباب
نی ز رقص دختران بی‌حجاب

نی ز سحر ساحران لاله روست
نی ز عریان ساق و نی از قطع موست

محکمی او را نه از لا دینی است
نی فروغش از خط لاتینی است

قوت افرنگ از علم و فن است
از همین آتش چراغش روشن است

حال سؤال این است که معیار و ملاک برای شناسایی خوب و بد از مظاهر تمدن غرب و آنچه از آن سامان می‌آید چیست؟ چه چیزهایی را می‌توان پذیرفت و به کار گرفت و از چه چیزهایی باید گریز نمود؟ جواب چندان سخت نیست؛ شریعت غرای محمدی بهترین ترازو برای هر مسلمان است تا خوب و بد را بشناسد. شاید کسی سؤال کند کدام شریعت؟ برداشت‌ها و قرائت‌ها از شریعت متفاوت است؛ بلی همین‌طور

یک مسلمان به برداشتی که مطابق میل و خواهش نفس اماره باشد، توجه نمی‌کند و کلاه خودش را قاضی گذاشته و به علمای متقی، آگاه، جهان‌دیده و به‌دور از انواع تعصبات اعتماد می‌کند. این رسالت علمای دین است که با در نظر داشت مصالح مردم و به دور از هرگونه جهت‌گیری خلاف حقیقت، حقایق را برای مردم بیان کنند و پدیده‌های جدید را در ترازوی شریعت سنجیده و به جامعه معرفی نمایند.



است، اما یک مسلمان به برداشتی که مطابق میل و خواهش نفس اماره باشد، توجه نمی‌کند و کلاه خودش را قاضی گذاشته و به علمای متقی، آگاه، جهان‌دیده و به‌دور از انواع تعصبات اعتماد می‌کند. این رسالت علمای دین است که با در نظر داشت مصالح مردم و به دور از هرگونه جهت‌گیری خلاف حقیقت، حقایق را برای مردم بیان کنند و پدیده‌های جدید را در ترازوی شریعت سنجیده و به جامعه معرفی نمایند.

در بخش دوم و پایانی به فتنه‌های عصر تکنولوژی و بعضی از راه‌های حفاظت از شر آن بیان خواهد شد، ان‌شاءالله.

ادامه دارد...





ملتی غریب؛ اما با قامتی بلند

✍ محمد داوود مهاجر

هرچه از این ملتِ بت‌شکن بنویسیم بازهم کم است. آن‌هایی که دنیا را دیده‌اند و مردمانش را از نزدیک تجربه کرده‌اند، بگویند! آیا ملتی مؤمن و استکبارستیز (با مجموعه‌ی این دو صفت) را، چون ملت افغان تا حال دیده‌اند؟ آیا مردمانی فقیر و غریبی را دیده‌اند که چنین قامت بلندی داشته باشند و در برابر زور و زرِ جهانیان سر خم نکنند و همچون کوهی محکم در مقابل هر طوفانی سینه سپر کنند؟

این یک بخشش الهی است؛ این یک لطف و کرَم خدایی است که به این ملت بخشیده است. ملتی که هیچ‌گاه تن به بردگی نداده و همواره سنگرهای خود را پر نگاه داشته است.

حدود چهل سال است که می‌جنگند؛ میلیون‌ها شهید، معیوب و اسیر داده‌اند؛ اما بازهم ادامه می‌دهند؛ نه به این معنا که نفس جنگ کردن را خوب می‌دانند؛ بلکه ادامه می‌دهند تا بتوانند به هدفشان برسند؛ هدفی که از روز اولِ جهاد ترسیم کرده بودند؛ به نظامی اسلامی برسند؛ نظَامی که نه شرقی باشد و نه غربی و نه هم تحمیل شده از بیرون.

چهل سال است که می‌جنگند؛ اما بازهم خسته نشده‌اند و جوانانش روزبه‌روز صف‌های خود را محکم‌تر و طولانی‌تر می‌کنند!

چهل سال است که می‌جنگند؛ اما به نظامی غیر از نظام شرعی و اسلامی راضی نیستند. به گمانم چنین ملتی با این ویژگی‌ها، کم‌تر یافت می‌شود. ملت‌هایی بوده‌اند که برخاسته‌اند؛ جهاد کرده‌اند؛ اما دوباره در نیمه‌ی راه، کنار رفته‌اند؛ یا خسته شده‌اند و یا صف‌هایشان از هم گسسته است.

این ملت را می‌توان مصداق این حدیث یاد کرد که پیغمبر خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - می‌فرمایند: « لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ، ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ». [صحیح‌مسلم] همواره جماعتی از امت من در راه حق می‌جنگند و تا قیامت پیروز (هر میدانی) هستند.

شکست امپراتوری بریتانیای کبیر، شکست کمونیست‌های شوروی با تمامی ایادی‌اش و هم‌اکنون نیز غروب آفتاب دموکراسی طلبان در هر گوشه و کنار این خاکِ پر از لاله‌ها و شقایق، نشانی بر پیروزی این ملت در هر میدانی، به سبب نصرت‌های الهی و وعده‌های نبوی - علیه‌افضل‌التحیات‌والسلام - است.

کسانی که با دیدن چند تن از افراد بی‌ریشه و اصل،

افرادی تملق‌جو و چاپلوس - که غیر از پول چیزی دیگر را نمی‌پرستند - به کمین این ملت فقیر می‌نشینند تا شاید بتوانند آن‌ها را داخل تور خود بیندازند، مرتکب اشتباهی بزرگ و لغزشی خطرناک گشته‌اند!

این ملت، مسلمان است و بر اصول اسلامی‌اش سخت استوار است. کسانی اگر بخواهند بعد از بیست سال جنگ، ده‌ها سال دیگر را نیز بیفزایند، بازهم تنور این ملت، گرم‌تر می‌شود و شعله‌های جنگش بالاتر می‌پرد؛ اما خوابی را که آنان دیده‌اند و در خیال خود آورده‌اند به تعبیر قرآنی « أضغاث أحلام»ی بیش نیست.

ضرب‌المثل مشهوری است: «آزموده را آزمودن خطاست». این ملت غیرتمند، بارها و بارها آزموده شده است و شاید کم‌تر عاقلی پیدا شود که در فکر تسخیر این «ملتِ غریب، اما با قامتی بلند» باشد.

تاریخ اینِ ملت گواه است که هیچ زورگویی نتوانسته است بر گُرده‌ی آن بنشیند و یوغ بردگی را بر شانه‌هایش بگذارد؛ اما کسانی که دوباره در همان سوراخی انگشت می‌گذارند که قبلاً از آنجا نیش خورده‌اند؛ پس ناپختگان و نادانانی بیش نیستند که مصالح علیای مملکتشان را در سر ندارند و فقط به فکر این‌اند تا چَک‌چَک‌های بعضی از حُضّار را در محافل و کنفرانس‌هایش جلب کند و چند تا «آفرین» موقت را از آن خود بسازد.

شما اگر بخواهید تحقیقی مختصر بکَنید و به هر خانه‌ای از خانه‌های افغانان داخل شوید، حتماً خبر از چندین شهید، معیوب و اسیر را به دست می‌آورید. شاید حتی یک خانه هم در تمام این سرزمین وجود نداشته باشد که شهیدی زیر خاک نداشته باشد. شما حتی می‌توانید از خانه‌هایی بپرسید که همتای چارواک بوده‌اند؛ یعنی با تمام وجود در حکومت مزدور داخل و مأمور بوده‌اند؛ اما بازهم یک یا دو مجاهد از میان همان خانه برخاسته است. این یک حقیقت است. من از یک دوستی شنیدم که پدر، یکی از مأموران بلند رتبه‌ی دولت بود و پسرِ نوجوانش مجاهد شد. او بعد از فرستادن نامه‌ها و قاصدان زیادی نزد پدرش، مجبور شد و پدرش را که از صف‌های اشغالگران جدا نمی‌شد، کشت!

حتی از کسی شنیدم که پدری فرزندش را کشت، به خاطر این‌که آن پسر، نان پدرش را نمی‌خورد که تو چرا مزدور آمریکائی‌ها شده‌ای! آن پدر از ترس این‌که مبادا پسرش پیش‌قدم بشود و یا کدام ترسی دیگر، پسر نازنینش را کشت!

در تاروپود این ملت، غیرت و ایمان نهفته است؛ هرازگاهی می‌شنوید که عسکری آتش تفنگ خودش را بر اشغالگران و یا مزدورانش گشود و چندین تن را به هلاکت رسانید و خودش نیز یا کشته شد و یا توانست خود را به ساحه‌ی مجاهدان برساند! این‌گونه واقعات را شما به‌اندازه‌ی شمار انگشت‌ها در ملتی دیگر نخواهید دید؛ اما در این ملت، چنین عکس‌العمل‌هایی بی‌حدوحصر است.

ای دشمن نادان! زمانی که نوجوان مسلمان این ملت، به پدرش، مزدوریِ اشغالگران را روا نمی‌دارد و تا سرحد کشتنش قدم پیِش می‌گذارد؛ پس با کدامین منطق خواهان تسخیر این ملتی! زمانی که پدر به پسر و پسر به پدر حمله می‌کند، اگر کج راه برود؛ پس اشغالگران و بیگانگان چه گمان می‌کنند!

هراندازه این آتش ادامه پیدا کند، دامنه‌اش بزرگ‌تر و درجه‌ی حرارتش بالاتر می‌رود و شاید در آن زمان نتوان خاموشش کرد؛ مگر اینکه همه‌ی خس‌وخاشاک‌ها را بلعیده باشد؛ اما کجایند عاقلانی که بفهمند!

این ملت، مسلمان است و بر اصول اسلامی‌اش سخت استوار است. کسانی اگر بخواهند بعد از بیست سال جنگ، ده‌ها سال دیگر را نیز بیفزایند، بازهم تنور این ملت، گرم‌تر می‌شود و شعله‌های جنگش بالاتر می‌پرد؛ اما خوابی را که آنان دیده‌اند و در خیال خود آورده‌اند به تعبیر قرآنی « أضغاث أحلام»ی بیش نیست.



ازفراز سنګرها؛

د اشغال او فساد کره روایت

حافظ نوراحمد سعید

تقریبا له لسو کلونو راهیسې د استاد احمد فارسي صاحب له نوم او لیک سره اشنا یم. د نوموړي ګڼې څېړنیزې مقالې او تبصرې مې الاماره کې ترسترګو شوې دي. «ازفراز سنګرها» د فارسي صاحب د ګټورو او خوندورو لیکنو ټولګه ده. په دې مجموعه کې پر ګران هیواد د صلیبي یرغل او د یرغل ضد جهاد په اړه کره او مدللې لیکنې راټولې شوې دي.

استاد فارسي صاحب په جهادي مطبوعاتي ډګر کې هغه برلاسی قلموال دی چې د دښمن له اصلي څېرې یې پرده پورته کړې او د قلم تېرې څوکې یې د دښمن پر مخ خاپونه جوړ کړې دي.

جناب فارسي صاحب د لیک، تحلیل او بیان ځانګړی سبک او مهارت لري. مغلق مسائل په اسانه او روانه ژبه تجزیه کوي او په ښایسته او معیاري قالب کې یې لوستونکو ته وړاندې کوي.

ازفراز سنګرها د اشغالګرو د ظلم او فساد او د مجاهد ولس او سرښندونکو مجاهدینو د اتلولیو او قربانیو یو سوچه روایت دی. د دې روایت لوستل او سپړل د دښمن په پېژندلو او د حالاتو په سالم درک کې ښه مرسته راسره کولای شي.

په بل عبارت ازفراز سنګرها دیرغلګرو+ کابل رژیم او اسلامي امارت دقول او عمل یوه شفافه هنداره ده. ځوانان کولای شي په همدې هنداره

کې نـړدې ماضي تـه سر ورښـکاره کړي، د اسـلامي امــارت دريــځ او کړنــې ووينــي او د ديموکراســۍ دبهرنيــو او کورنيــو عســکرو بــشر دوســتي، بيــان ازادي او د ښــځو او ماشــومانو حقونــه (؟) لــه نــږدې مشــاهده کــړي!

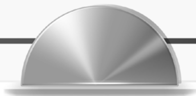
د ازفـراز سـنګرها او ورتـه ليکنـو اهميـت او مؤثريـت هلتـه لا ښـه معلوميږي چـې د ګـران هيواد د اشـغال تېـر شـل کلـن سير تـه ځغلنده نظر وکـړو.

اشـغالګرو پـر افغانسـتان د وحشـيانه پوځـي يرغـل سره څنګ کـې پـراخ فکـري او تبليغـاتي جنګ هـم پيـل کـړ. پـه زرګونـو بريښـنايي او چاپـي رسـنۍ يـې رامنځتـه او تمويـل کـړې. همـدې رسـنيو پـه مختلفــو طريقــو او بيلابيلــو عنوانونــو پــر دينــي ارزښــتونو، اســلامي شــعايرو او افغــان فرهنــګ بريدونـه شروع کـړل. د بيـان ازادۍ پـه نـوم يـې بـې دينـۍ، فحاشـۍ او غـربي کلچـر تـه پـراخ کمپايـن د خپـل اصـلي مسـؤليت پـه توګـه تـرسره کـړ. متاسـفانه لا هـم زمـوږ پـه اشـغال شـوي خـاوره کـې د متمدنـې نـړۍ د زر، زور، تزويـر، فکـر او فرهنـګ جګـړه پـه شـدت او وحشـت روانـه ده!

د يرغـل پـه حاکـم ذکـر شـوي وضعيـت کـې لـه دينـي ارزښـتونو، خـاوري او مـلي منافعـو دفـاع د سر پـه قيمـت وه. وسـله وال مجاهـد خـو د بشر دوسـتي نـړۍ پـه هيـڅ قانـون کـې د ژونـد مسـتحق نـه و. مګـر د بيـان ازادۍ نړيوالـو مدعيانـو تـه هغـه څـوک هـم زغـم او بخښـنې وړ نـه و، چـې پـه قلـم او ژبـه يـې لـه خپلـو نواميسـو دفـاع کولـه. آن لـه يرغلګـرو سره ادنـی لفظـي مخالفـت اود طالـب سره پـه لبـاس، خـبرو او کـردار کـې شـباهت هـم د ډيموکراسـۍ پـه قامـوس کـې پـه ګوانتانامـو، بګـرام او.... وحـشي زندانونـو کـې د اسـارت نـه ماتيدونکـې فيصلـه وه.

د ازفـراز سـنګرها لوسـت د فکـري او فرهنګـي يرغـل

په بل عبارت ازفراز سنګرها ديرغلګرو+ کابل رژيم او اسلامي امارت دقول او عمل يوه شفافه هنداره ده. ځوانان کولای شي په همدې هنداره کې نږدې ماضي ته سر ورښکاره کړي، د اسلامي امارت دريځ او کړنې ووينې او د ديموکراسۍ دبهرنيو او کورنيو عسکرو بشر دوستي، بيان ازادي او د ښځو او ماشومانو حقونه (؟) له نږدې مشاهده کړي !



پـه ککـړ چاپېريـال کـې حيـاتي اړتيـا ده. پـه ځانګـړې توګـه ځوانـان خـو پـه هيـڅ صـورت بايـد د ازفـراز سـنګرها لـه مطالعـې ځـان بـې برخـې نـه کـړي.

اسـتاد احمـد فـارسي صاحـب تـه د همـدې مهـم اثـر مبارکـي وايـو. اللـه تعالـی دې د قلـم او ټوپـک د سـنګر د ټولـو مجاهدينـو هڅـې پـه خپـل عـالي دربـار کـې قبولـې کـړي. هيلـه مـن يـو چـې فـارسي صاحـب مـو پـه نـورو اثـارو او ليکنـو هـم ونـازوي.

په درناوي

د دعاء محتاج

حافظ نور احمد سعيد

د سلواغې ۲۳ مه، ۱۳۹۹ هش





داعیهٔ طالبان باید بیشتر رسانه‌ای شود!

ا نخچیر عثمان

چندی قبل یکی از رسانه‌های مجازی در فیس‌بوک (رادیو صدای بی‌صدایان یا افغان اینترنشنال) را به خاطر اخبار ولسوالی بهسود میدان وردک چند هفتهٔ بود بسیار خبرساز شده بود را تعقیب می‌کردم و ازآنجاکه این رسانه اخبار نزدیک به فعالیت‌های سیاسی و نظامی قوم هزاره را برجسته نشرات می‌کند خواستم بدانم حقیقت داستان علیپور و بهسود و لشکرکشی و درگیری به‌اصطلاح نیروهای رژیم کابل با مردم آنجا بر سر چیست که ناگهان با مصاحبهٔ یکی از نزدیکان طالبان که داعیهٔ طالبان را بسیار مفصل به تشریح گرفته و با خانم خبرنگار جزئیات داعیهٔ طالبان نسبت به شرایط فعلی، آینده و نگاه طالبان به اقوام و اقلیت‌ها در جامعه بود را در انداز بسیار خوب و مدلل به بحث گرفته بود.

دلم نیامد آن مصاحبه را نیمه رها کنم هرچند از نیمه‌های پروگرام شریک پروگرام شدم ولی فردای آن روز وقتی لینک کامل مصاحبه را در آن پیج فیس‌بوکی گذاشته بود دوباره شنیدم بسیار خدا را شکر کشیدم و بر کسانی که مخلصانه داعیهٔ طالبان را در این شرایط خوف و خطر با جبین گشاده و سینهٔ فراخ به تشریح و توضیح می‌گیرند زیاد امیدوار شدم.

در این شکی نیست که سخنگویان رسمی امارت اسلامی افغانستان در ارائه و توضیح پالسی و سیاست‌های امارت اسلامی در مسائل مختلف همواره با رسانه‌های داخل و خارج کشور در تماس بوده و با تمام مصروفیت‌های جانبی همواره صدای حق‌طلبانهٔ امارت اسلامی را انعکاس می‌دهند اما اینکه در کنار افراد رسمی اکنون فرصتی به جوانان و مخلصین امارت اسلامی داده‌شده که در رسانه‌ها درخشیدن گرفته و داعیه و باور طالبان را تبلیغ و انعکاس بدهند این واقعاً یک گام مثبت و خیلی خوب برای طالبان خواهد بود و نیز جواب قناعت‌بخش برای بسیاری که فکر می‌کنند طالبان جز چند فرد رسمی دگر کدر علمی و اهالی دلیل و منطق و استدلال را ندارند.

نیز اتفاقاً چند باری از طریق رادیو آزادی و پروگرام پرشنوندهٔ آن در امواج آزادی شاهد شرکت چندین شخصیت به اسم نزدیکان به داعیه و فکر طالبان را در زبان‌های پشتو و دری را شاهد بودم که واقعاً

از استدلال نوع دلسوزی، نحوه تکلمشان با مخاطبین، جواب منطقی در برابر افراد مغرض و کینه‌توز علیه حرکت طالبان را دیدم خیلی‌ها خوش شدم و حتماً مثل من بسیاری اهل نظر و مردم عزیز کشور ما نیز اگر این پروگرام‌ها را شنیده و یا دیده باشند از عمق حال آگاهی پیدا کرده و نسبت به حرکات فکری و انسجام تبلیغاتی طالبان بیش‌ازپیش امیدوار گشته و خوش‌بین خواهند شد.

واقعاً حضور پررنگ طالبان در رسانه‌های مطرح افغانستان، منطقه و جهان یک خلأ عظیم احساس شده و همیشه آرزوی تمام افغان‌های بااحساس این بوده که کاش با استفاده از فرصت و شرایط طالبان بتوانند رسماً یا غیررسمی داعیه و فکر خود را از طریق رادیو و تلویزیون و حتی صفحات و پیج‌های پرطرفدار شبکه‌های اجتماعی در فیس‌بوک و غیره به گوش ملت، مردم منطقه و جهانیان رسانیده و باورهای پوچ که احیاناً مردم عزیز ما در خارج و داخل از طریق رسانه‌های زرخرید کابل تأثر گرفته و در ذهنشان نوعی بدبینی نسبت به طالبان ایجادشده همه آن باورهای غلط، اصلاح و ملت شریف ما به یک تصمیم فکری منطقی‌تر و واقع‌بینانه‌تر نسبت به حرکت طالبان برسند.

این فرصت‌ها هرچند محدود و کم باشد اما چون میدیای پرطرفدار بوده می‌توانند و مخاطبین جهانی داشته و مردم بسیاری آن‌ها را تعقیب می‌کنند حضور طالبان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و دفاع از آرمان و تشریح اهداف و منویات خیرخواهانه امارت اسلامی به ملت چانس‌های طلایی است که باید مسئولین امر بیشتر زمینهٔ رشد و تعالی بیشتر چنین مباحث را فراهم بسازند؛ یقیناً ازآنجاکه هر گل رنگ و بوی خود را دارد و هر لب و لهجه مخاطبین خاص خود را داشته و برای بسیاری تنوع و دل‌نشین خواهد

> در این شکی نیست که سخنگویان رسمی امارت اسلامی افغانستان در ارائه و توضیح پالسی و سیاست‌های امارت اسلامی در مسائل مختلف همواره با رسانه‌های داخل و خارج کشور در تماس بوده و با تمام مصروفیت‌های جانبی همواره صدای حق‌طلبانهٔ امارت اسلامی را انعکاس می‌دهند اما اینکه در کنار افراد رسمی اکنون فرصتی به جوانان و مخلصین امارت اسلامی دادەشده که در رسانه‌ها درخشیدن گرفته و داعیه و باور طالبان را تبلیغ و انعکاس بدهند این واقعاً یک گام مثبت و خیلی خوب برای طالبان خواهد بود و نیز جواب قناعت‌بخش برای بسیاری که فکر می‌کنند طالبان جز چند فرد رسمی دگر کدر علمی و اهالی دلیل و منطق و استدلال را ندارند.

بود حضور افراد مختلف با داعیهٔ طالبان کمک می‌کند تا مردم بیشتر با این حرکت مردمی و مبارز آشنا گردیده و بیشتر بر تبلیغات زهرآگین رسانه‌های کابل بی‌باور شوند.

همچنین این گونه مباحث در دنیای رسانه مردم عزیز کشور ما را در آگهی بیشتر خواهد برد و هیچ‌وقت غیرمنطقی و بدون دلیل از طالبان استدلال نخواهند کرد بلکه هرکسی که به هر زبان بهتر بلدیت باشد فوراً کدام موضوع که برای ملت ما غیرقابل فهم بوده باشد با نشان دادن لینک خبری یا صوتی آن مصاحبه یا حتی تصویری آن می‌توانند به همه نشان دهد که طالبان برای هر گفته و کردار خود این‌چنین دلایل منطقی داشته می‌باشند که یقیناً بعد از شنیدن و استفاده بردن از محتویات آن رسایل و صوتی‌ها، تحول و مثبت‌اندیشی قابل‌ملاحظه در بین آحاد مردم ما پدید خواهد آمد.

قلعه را مستحکم نگهدار!

✍️وحید روستایی

یکی از ویژگی‌های که مؤمن و مسلمان باید داشته باشد و شریعت اسلامی بالای آن بسیار تأکید نموده است صبر، استقامت و باقی ماندن در مسیر منتخب است، مسیر اسلام، مسیر قرآن و مسیر جهاد و شهادت؛ قران کریم دراین‌باره تکراراً تذکر داده و به صبر و استقامت تشویق نموده است؛ الله تعالی در سورۀ آل‌عمران چنین می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ»؛ و سست نشوید و اندوهگین نگردید، و شما برتر هستید؛ اگر مؤمن باشید.

شیخ ناصر سعدی رحمه‌الله در تفسیر خود در ذیل آیت فوق می‌نگارد: خداوند مؤمنان را تشویق نموده و اراده‌های آنان را تقویت کرده و همت‌هایشان را برانگیخته و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحزَنُواْ﴾ و به خاطر مصیبتی که برایتان پیش آمد و بلا و آزمایشی که به آن دچار شدید، سست و زبون نشوید و جسم‌هایتان ضعیف نگردد و دل‌هایتان اندوهگین نشود زیرا غم و اندوهِ قلبی و سستی و ضعف جسمی مصیبتی دیگر بر شماست و باعث تقویت روحیه دشمنانتان می‌شود. بلکه دل‌هایتان را تقویت کنید و بردبار باشید و غم به دل‌هایتان راه ندهید و برای پیکار با دشمن، محکم و آماده باشید؛ و خداوند بیان کرد که شایسته نیست غم بخورند و امید داشتن به یاری و پاداش وی از دشمن برترند، پس مؤمن پرهیزگاری که چشم به پاداش دنیوی و اخروی خدا دوخته است، شایسته نیست غمگین گردد و ضعیف شود. بنابراین خداوند متعال فرمود: ﴿وَأَنتُمُ ٱلأَعلَونَ إِن كُنتُم مُّؤمِنِينَ﴾؛ و شما برتر هستید؛ اگر مؤمن باشید.

این آیت و امثالش مؤمن و به‌ویژه مجاهد را به آینده درخشان و سرنوشت نیک نوید می‌دهد؛ مؤمن آرزویش را به دنیا خلاصه نمی‌کند و کوشش‌هایش را تنها به آن وابسته و پیوسته و خلاصه نمی‌داند؛ بلکه آخرت و سرای جاودان که الله عزوجل به آن و از آن خبر داده است چشم دارد؛ بهشت و نعمت‌هایش را می‌خواهد و آرزوی ملاقات پروردگارش که بزرگ‌ترین نعمت‌های آخرت و بهشت می‌باشد در سر دارد. به همین خاطر در دنیا با مشکلات که به آن مواجه می‌گردد صبر پیشه می‌کند و در جهاد و مبارزه استقامت نشان می‌دهد.

می‌دانم که اعادۀ امارت اسلامی، پاسداری از آن، ثبات و استقامت در مسیر جهاد و قربانی بهای زیادی از ما می‌خواهد، جوانان زیادی پرپر می‌شوند و پروانه‌وار به گرد شمع اسلام چرخیده و می‌سوزند؛ طوری که در طی بیست سال شاهد از دست دادن بهترین و خوب‌ترین فرزندان اسلام در این خطه مبارک و مرد خیز بودیم و هستیم.

اما راهی جز این وجود ندارد؛ جز قربانی، فداکاری، اخلاص، صمیمیت، اتحاد و اتفاق و همدیگر پذیری چاره‌ای نیست. صف امارت اسلامی باید مستحکم گردد، ادارات و دفاترش منظم، مجاهدین نظامی‌اش باید به‌طور درست و درست‌تر تربیت نظامی و

فکری گردد و در این باب از هرگونه سرمایه‌گذاری نباید صرفه‌جویی شود. باید فرهنگی‌ها، نویسندگان، دیپلمات‌ها و بقیه کارمندانش تربیت شوند، تشویق شوند و تهذیب روحی گردند.

به دیگران می‌گوییم که نباید به امارت اسلامی به چشم کم بنگریم، نباید قربانی‌های فرزندانش را نادیده بگیریم، نباید ثبات و استقامتش را کم جلوه دهیم و نباید در مقابل خون‌های جوانان آن بی‌باکانه رفتار کنیم.

وقتی ناتو و آیساف دو قوت نظامی بزرگ و قوی دنیا به مصاف امارت اسلامی می‌آیند و به خاطر از بین بردن آن از هیچ نوع مکر، حیله و وسیله‌ای دریغ نمی‌ورزند پس دیگر چه دلیلی و بهانه‌ای باعث عقب رفتن ما از صف جهاد باقی می‌ماند.

مال ما، جان ما، خانه و کاشانه ما باید همه و همه قربانی اعادۀ نظام اسلامی امارت گردد؛ آری! امارت که آرمان‌های شهدای ما را برآورده سازد و در همه کارهایش اصول و ثوابت اسلام را در نظر بگیرد.

سوگند به رب آسمان‌ها هیچ حرکت به‌مانند امارت اسلامی در عصر حاضر قربانی نداده است، هیچ حزب و گروهی همچون مصائب و مشکلات را در عصر حاضر تجربه نکرده است، ولی باوجود این‌همه امارت اسلامی تک‌وتنها در میدان باقی ماند و تا آخرین مرمی خویش را به‌سوی دشمن پرتاب نکند و توسط دشمن در خاک و خون نتپد میدان را ترک نخواهد گفت؛ این سخنی است ما آن را در امیران امارت اسلامی تجربه کرده‌ایم؛ و الله علی ما نقول وکیل.

بیایید به‌صف امارت اسلامی بپیوندید، برای الله، برای اسلام، برای اعادۀ نظام اسلامی، برای ترقی و پیشرفت مسلمانان، برای اعادۀ عزت ازدست‌رفته ما، برای آزادی اسیران، برای کمک و همکاری به مظلومان صف امارت اسلامی را تقویت کنید.

ای کدرهای مسلمان و ای جوانان تحصیل کرده و مفکر! بیایید از تجارب و اندوخته‌های علمی‌تان برای عزتمند ساختن مسلمانان استفاده کنید. عزت و شکوهمندی در اسلام است؛ اسلام بهترین برنامه را برای بشر به ارمغان آورده است و هیچ برنامۀ در دنیا با آن‌ها برابر کرده نمی‌تواند؛ سید قطب شهید رحمه‌الله در تفسیر

سوگند به رب آسمان‌ها هیچ حرکت به‌مانند امارت اسلامی در عصر حاضر قربانی نداده است، هیچ حزب و گروهی همچون مصائب و مشکلات را در عصر حاضر تجربه نکرده است، ولی باوجود این‌همه امارت اسلامی تک‌وتنها در میدان باقی ماند و تا آخرین مرمی خویش را به‌سوی دشمن پرتاب نکند و توسط دشمن در خاک و خون نتپد میدان را ترک نخواهد گفت.

خود می‌فرماید: «شما برتر از دیگران هستید، عقیده شما برترین عقاید است، برنامه شما برترین برنامه‌ها است، چراکه شما مطابق برنامه‌ای راه می‌سپرید که ساخت خدا است و دیگران مطابق برنامه‌ای حرکت می‌کنند که ساخت آفریدگان خدا است، نقش شما بالاترین نقش‌ها است، چراکه شما سرپرستان جملگی این بشریت هستید و راهنمایان همه ایشان می‌باشید. ولي دیگران از برنامه خدا به دور افتاده‌اند و راه حق را گم کرده‌اند، پس اگر مؤمن هستید سست نشوید و غمگین نگردید. چراکه سنت خدا بر این است که گرفتاری‌ها و رنج‌ها ببینید و شادی‌ها و خوشی‌ها داشته باشید و گاهي شکست بخورید و گاهي شکست بدهید و بعد از گنج و رنج و جهاد و آزمون و گداختن و سره و پخته کردن، آینده از آن شما شود.»

ای علماء! مجاهدین تشنۀ توصیه‌ها، موعظه‌ها، نصیحت‌ها و خیرخواهی‌ها شمایند. علم را به کدام روز ذخیره کرده‌اید؟

ای مسلمانان! قلعه را نگهدارید زیرا پشت دیوارهای آن گرگ‌ها و پلنگ‌ها در کمین‌اند و به‌مجرد از دست دادن قلعه شکار آن‌ها خواهید شد.



قرآن نسخه کامل سعادت

✍خالد خوارزمی

قرآن در عصری نازل شد که تاریکی سراسر آفاق عالم را فراگرفته بود، انسانیت به منجلاب گرفتار شده بود، وجدان‌ها به حدی به خواب فرو رفته بودند که بیداری تصورشان هم نمی‌شد، انسان‌ها درنده صفت شده بودند، به‌اندازه‌ای که دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند، مکارم اخلاقی و منش انسانی به‌کلی از بین رفته بود.

در آن روزگار مهربانی از دنیا رخت سفر بربسته و جایش را به خشونت داده بود، راستی، اتفاق، برادری و انسان‌دوستی تبدیل به دروغ، اختلاف، دشمنی و انسان ستیزی شده بودند.

تا اینکه خداوند به پیامبرش قرآن را نازل نمود.

قرآن آن کتاب ملکوتی که فلاح و صلاح جهانیان برای همیشه تضمین نموده است.

قرآن آن نسخه رحمانی که تعمق در اقیانوسش، نه‌تنها طینت و سرشت آدمی را از هرگونه رذالت و فساد اخلاقی پاک می‌کند، بلکه مرواریدهای عزت اخروی و در یکتای سلامتی دارین را همراه دارد.

قرآن آن فاکتور ضمانت برای زندگی ایده‌آل و بهتر زیستی بشر از طرف ذاتی نازل شده که بشر را آفریده است.

در واقع با نزول قرآن هویت گم‌گشته انسان دوباره برگشت، انسان از بندگی برای بنده روی گردان شد و بندگی برای خالق را برای همیشه برگزید، جنگ‌هایی که رمق از وجود انسان برده بود پایان یافت، اختلاف‌های چندین ساله تبدیل به وحدت شد، دشمنی پا به فرار گذاشت، دوستی

سراسر عالم را فراگرفت و خرافه‌پرستی تبدیل به یکتاپرستی شد.

آری قرآن همان نسخه کامل سعادت است که می‌تواند انسانیت را از امواج ضلالت و گمراهی به ساحل نجات بکشاند و سعادت دارین را به ارمغان بیاورد.

اقبال چه زیبا سروده است:

نقش قرآن چون‌که در عالم نشست
نقش‌های کاهن و پاپا شکست

فاش گویم آنچه در دل مضمر است
این کتابی نیست چیزی دیگر است

چو به جان در رفت جان دیگر شود
جان چو دیگر شود جهان دیگر شود

آری! همین قرآن بود در صدر اسلام از کاهی کوهی ساخت و افرادی را که در صحرای حجاز می‌زیستند نه از مدنیت چیزی می‌دانستند و نه مدرنیت، نه از آن‌ها نامی بود و نه نشانی، اشخاصی ساخت که برای جهانیان انسانیت را آموختند که بشر دقیقاً در آن هنگام انسانیت گم‌شده‌اش بود و هریکی استادان انسانیت شدند. نام‌هایشان در سر صفحات تاریخ قرار گرفت.

خلاصه همین قرآن است وقتی مسلمان در تنگنا قرار می‌گیرد؛ به خاطر مصلحت امت مسلمه، به مسلمانان دستور جهاد می‌دهد؛

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (الحج:۳۹)

ترجمه: «اجازه (ی دفاع از خود) به کسانی داده می‌شود که به آنان جنگ (تحمیل) می‌گردد، چرا که بدیشان ستم رفته است (و آنان مدّتهای طولانی در برابر ظلم ظالمان شکیبائی ورزیده‌اند و خون دل خورده‌اند) و خداوند توانا است بر این که ایشان را پیروز کند.»

همچنان در قرون بعدی همین قرآن بود که اهل حق را منسجم و متحد نمود تا در مقابل سربازان اشغالگر صلیبی ایستادگی نمایند.

بلی همین قرآن بود وقتی صلاح‌الدین ایوبی قدس را از صلیبیان پس گرفت، صلاح‌الدین را واداشت تا با اسیران حق انسانیت داده و با آن‌ها رفتار نیکو نماید.

هرازگاهی هم که مسلمانان دچار شکست شده‌اند به خاطر دوری از قرآن و دستورات آن بوده است.

در همین اواخر، یعنی جهاد افغان‌ها با انگلیس و قشون سرخ روسیه و همچنان در جهاد معاصر که اکنون جریان دارد، قرآن یگانه منبع انرژی‌زا برای مجاهدان و مبارزان بوده و است؛ چون قرآن ایمان و عقیده تولید می‌نماید

«وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال:۲)

ترجمه: «و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمانشان می‌افزاید، و بر پروردگار خود توکّل می‌کنند (و خویشتن را در پناه او می‌دارند و هستی خویش را بدو می‌سپارند).»

این مسلّم و پذیرفته‌شده است که در مقابل عقیده هیچ‌چیزی یارای ایستادن را ندارد و همیشه پیروزی از آن عقیده بوده و هست.

همین عقیدهٔ راسخ و ایمان مستحکم (که از قرآن سرچشمه گرفته است) انسان را وادار می‌کند تا به همه‌چیز دنیوی و مادی پشت پا بزنند، باکمال مردانگی به خطوط مقدم جبهات در پی شهادت بگردد.

این را باید پذیریم، آخر این امت به هیچ طریقه‌ای اصلاح نمی‌شود، به‌جز به آنچه که اولِ امت اصلاح شده، همچنان آخر امت عزتمند نمی‌شود مگر به آنچه اول این امت با آن به عزت دست یافته است. به‌درستی اول این امت با اسلام و ایمان و قرآن به صلاح دست یافتند و عزتمند شدند.

بنابراین بر هر مسلمانی لازم است که با قرآن محبت داشته باشد، زندگی قرآنی داشته باشد، مدام قرآن را تلاوت نماید و در لابه‌لای تلاوت تدبر را نیز داشته باشد.



نشانه‌های محبت قرآن

۱. شور و اشتیاق نسبت به قرآن و مشغول شدن به تلاوت و تدبر در آن در ساعت‌های طولانی بدون هیچ‌گونه احساس رنج و خستگی؛

۲. تلاش برای زدودن موانع بر سر راه تلاوت و تدبر؛

۳. اطاعت از اوامر قرآن و پرهیز از نواهی آن.

خلاصه محبت قرآن با قرائت و مطالعه‌ی درست امکان‌پذیر است، قرائتی که قلب و فکر در آن حضور داشته باشد.

قرائت با چنین طریقه صفاتی چون خوف و خشیت، خشوع و فروتنی و افزایش ایمان و شادی ناشی از دستیابی به فهم صحیح در وجود شخصی که با قرآن محبت دارد و زندگی‌اش سراسر قرآنی و دینی است، به ارمغان می‌آورد.

یادگیری قرآن، تلاوت و تدبر همیشگی قرآن در تمام عرصه‌های زندگی ثمراتی چشم‌گیر و ارزنده‌ای را دارد. نمونه‌ای از ثمرات قرآن قرار ذیل است:

ثمرات تلاوت و تدبر در قرآن و پیامد آن

۱. طهارت قلب و تزکیه نفس؛

۲. تقویت ارادهٔ فرد مسلمان برای تلاش بیشتر در انجام اعمال صالحه؛

۳. وارستگی اخلاق؛

۴. پیدا شدن اخلاص و للهیت در اعمال؛

۵. تواضع و فروتنی؛

٦. مداوای بیماری‌های قلبی و روحی؛

۷. رسیدن به آرامش واقعی؛

۸. گشوده شدن ابواب رزق و روزی؛

۹. ایمن ماندن از توهمات و ترس نابجا؛

۱۰. دست یافتن به نگرش جهان‌شمول و آماده شدن برای پذیرفتن مسئولیت بزرگ جهانی (آماده شدن برای پذیرش رسالت که بعد از پیامبر خدا بدوش امتش گذاشته شده).

ازآنجاکه امروز جاهلیت به شکل جدیدش انسانیت را فراگرفته است و ارتدادهای نوینی در زندگی انسان پدیدار شده، انسان‌ها به‌طور عموم و امت مسلمه به‌طور خصوص بیشتر از پیش نیازمند بازگشت به‌سوی قرآن است، همچنین نیاز است با تدبر هر چه بیشتر تلاوت شود، قرآن بار دیگر همگانی شود تا عموم مردم نیز از آب زلالی قرآن سیراب شوند.

چون قرآن اولین وسیله‌ای اصلاح جان‌ها و پرورش دل‌ها و برون‌رفت از مشکلات و سختی‌های زندگی است.



استشراق یا ختیځ پوهنه

لیکنه او راټولونه: عبدالله عزام

د کفر او اسلام تر منځ ټکر/تقابل په هر زمان کې شتون درلود/لري، کفارو په هره زمانه کې د اسلام د له منځه وړلو هڅې کړي او کوي یې؛ په دې هڅو کې یې له مختلفو لارو چارو کار اخیستی، هم یې نظامي قوت ازمویلی او هم یې فکري قوت، خو مونږ مسلمانان په نظامي جګړو کې پر کفارو برلاسي خپله کړې، البته! په مقابل کې مو فکري سنګر بایللی؛ نو ددې لپاره مونږ باید د نظامي جګړې سربیره د فکري جګړې په لارو او هغه موارد وپیژنو د کوم په اساس چې غربیان دغه جګړه مخ ته بیايي.

د فکري جګړې پر مخ بیولو یو له مهمو فکتورونو څخه استشراق یا ختیځ پوهنه ده؛ په دې لیکنه کې استشراق پېژندنه او د فکري جګړې هغه لارې چارې چې غربیان یې د استشراق په مرسته پر مخ بیايي تر بحث لاندې نیول شوي.

د استشراق تعریف:

استشراق یعني شرق یا ختیځ پېژندنه، د (Orient) او (East) کلیمې دواړه د شرق یا ختیځ په معنا دي، (East) کلمه د هر شي شرقي یا ختیځې برخې ته وایي. د (Orient) کلیمه هغه سیمو لپاره کارول کیږي کوم چې د مدیترانې سمندرګي او اروپا شرق لور ته واقع وي، نو په همدې خاطر د شرق شناسی (ختیځ پوهنې) لپاره د (Orientalism) اصطلاح کارول کیږي، د استشراق لفظ د شرق څخه جوړ دی، د اروپایانو په آند د شرق څخه موخه ټولې هغې سیمې دي کوم چې د مدیترانې په ختیځ کې موقعیت لري، یا ټولې هغه سیمې دي چې مسلمانان هلته ژوند کوي؛ لکه څرنګه چې افریقایي هیوادونه اروپا سره څنګ ته واقع دي خو هغې ته هم شرقي هیوادونه وایي دا ځکه چې افریقایي هیوادونو کې مسلمانان اوسیږي.

په اصطلاح کې استشراق د غربیانو د هغه تحقیقاتو او پرغلونو څخه عبارت دی چې د اسلامي ختیځ د دین، فرهنګ، ژبې، ادبیات، تاریخ، جغرافیې او عاداتو په وړاندې یې پرمخ بیايي.

د صلیبي جنګونو له ناکامی څخه وروسته مسیحیانو د اسلامي امت د فکر د مستعمره کولو لپاره دا لازمه وګڼله، چې لومړی د مسلمانانو دیني علوم او عقیدوي منابع یعني قرآن، سنت او فقه زده کړای شي او بیا د هغوی په خلاف علمي جنګ پیل کړای شي، تر څو پورې چې د اسلامي امت د ملتونو ژبې او خصوصیات زده نه کړای شي، د هغوی په خلاف اقدامات کول او د هغوي ګمراه کول ممکن نه دي، نو ځکه یې له نورو ټولو تکتیکونو څخه لومړی دغه تکتیک او تحریک یعني استشراق جوړ کړ.

مستشرقان (ختیځ پېژندونکي) څوک دي؟

مستشرقان هغه غربي پوهان دي چې د صلیبت کرغېړنه کینه او ربنه یې د اسلامي ختیځ د علومو، فرهنګ او عاداتو په وړاندې د یرغل او تحقیق په لوري خلاصه

کړې ده، وروسته بیا د اسلام د بدنامولو، د حقایقو پټولو او د اسلامي نښو (شعایرو) په خاموشولو، د اسلام په وړاندې د مسائلو په لیکلو او هر څه چې ورسره اړه لري را پورته شوي دي او څېړنې کوي چې څرنګه خپل هدف ته ورسیږي؟

لکه څرنګه چې دغه څېړونکي په بېلو ډلو وېشل شوي دي، نو همدا ډول یې موخې هم سره بېلې او جلا دي، په هر صورت ددې ټولو مستشرقانو چې په مختلفو برخو کې فعالیت کوي هدف یې یو دی او هغه دا چې څرنګه دوی اسلام له منځه یوسي او مسلمانان د خپلو عقیدو څخه وګرځوي؟ د یادونې وړ ده چې د نصاراوو مستشرقان د نصرانیت د خپرولو مبلغینو ته خدمت کوي او یهودي مستشرقان د یهودیت لپاره فعالیت کوي.

د استشراق تاریخ (History of the Orientalism):

په ښکاره ډول معلومه نه ده چې د استشراق پاڅون د څه وخت څخه را پیل شوی دی، خو غالباً ویلی شو چې د اسلامي تمدن او فرهنګ د غوړېدو او وروسته د صلیبي جګړو د منځ ته راتګ په صورت کې یې لمن غوړېدلې ده او ددغو جګړو د ماتې څخه وروسته یې خطرونه زیات شوي دي او موخه یې معلومه شوې ده چې تر څو ددغه ورانوونکو جګړو په بدله کې میدان ته را داخل شي او د نصرانیت د دعوت سازمان سره اوږه په اوږه کار وکړي.

که څه هم د استشراق تاریخ په دقیق ډول نه دی معلوم، خو کله چې غربیانو په صلیبي جنګونو کې ماتې وخوړه نو په (۱۳۱۲) م کال د پاپ له حکم سره سم د استشراق لپاره ځانګړې کمېټه یعني علمي او مسیحي مذهبي جرګه ګۍ جوړه کړه، چې د اسلامي علومو او ختیځ پېژندنې لپاره کړنلاره جوړه کړي او د هغې لپاره داسې اصول وضع کړي، چې د هغو په رڼا کې قرآن کریم، تفاسیرو، احادیثو، فقه او عقایدو کې تشکیکي تحقیقات درج کړي او د پاپ له حکم سره سم دغې جرګه ګۍ د اروپا په ټولو مدارسو او پوهنتونونو کې عربي ژبه زده کول لازمي وګرځوله.

د استشراق موخې (اهداف):

د استشراق ډلې داسې موخې لري چې غږي یې د شتون او رسیدو لپاره هڅې کوي او اوس یې هم هڅې رواني دي، لکه څرنګه چې په تعریف کې وویل شول چې استشراق د غربیانو د فکري یرغل یوه مهمه برخه ده چې په هغې کې د اسلامي ختیځ (مسلمانانو) دین، ژبې، ادبیات، تاریخ، جغرافیه، فرهنګ او عادات تر څېړنې لاندې نیسي او ددې ټولو څېړنو یواځینۍ موخه داده چې څرنګه دوی وکولای شي اسلام له منځه یوسي او یا حد اقل کمزوری یې کړي تر څو د نړۍ واګې په لاس کې وانخلي.

۱ - اسلام دین په هکله:

کفارو په هره زمانه کې د اسلام له منځه وړلو لپاره هڅې کړي، په دې برخه کې یې د مختلفو لارو چارو څخه کار اخیستی، یو له هغې څخه استشراق دی، کفار په دې پوهیږي چې مسلمانان په مستقیم ډول د اسلام څخه نشي مرتد کولای، دوی په داسې کړنلاره باندې کار کوي چې تش مسلمانانو ته د مسلمان نوم پاتې شي او نور په ټول کردار او د ژوند طریقه یې غربي شي؛ لکه نن موږ ډېری تش په نوم اسلامي هیوادونه او مسلمانان وینو چې هلته یواځې نوم د اسلام پاتې دی، نور ټول نظام یې په غربي ډیموکراسۍ باندې چلیږي.

مستشرقان د اسلام دین مطالعه کوي او په دې برخه کې څېړنې کوي چې څرنګه د اسلام اصلي مفاهیم تحریف کړي او پر ځای یې تحریف شوي مفاهیم مسلمانانو ته وړاندې کړي؛ مستشرقان ددغه تحقیقاتو په نتیجه کې د اسلام لپاره یو نوی شکل غوره کوي، داسې چې تش نوم به یې د اسلام وي چې هغې ته ماډرن اسلام (معاصر اسلام) یا منځلاری اسلام وایي، داسې اسلام چې د کفر سره به په تقابل کې نه واقع کیږي او د نړیوالو قوانینو سره به سم حرکت کوي.

۲- قرآن په هکله:

د یهودي او مسیحي مستشرقینو دویم ستر هدف دادی چې څرنګه مسلمانان د قرآن کریم د حقانیت په هکله شکمن کړي او د قرآن د تشکیک په هکله په ډاګه مستشرقینو انکار کړی دی او ویلي یې دي چې قرآن

کریم د الله تعالی له پلوه نازل کړای شوی کتاب نه دی؛ بلکې محمد ﷺ پخپله جوړ کړی دی (العیاذ بالله) او د هغه خپل کلام دی، کله چې دوی ته د قرآن کریم هغه تاریخي حقایق وړاندې راځي کوم چې د پخوانیو امتونو په هکله دي، نو له دې امله چې دغه اسلام دښمنه طاغوتیان له دغه ثابتو حقیقتونو څخه انکار کولی نشي، نو په دې هکله هماغه زاړه او بې اساسه دلیلونه وړاندې کوي کوم چې د مکې مشرکینو به د قرآن کریم په هکله وړاندې کول.

د قرآن کریم په هکله د مستشرقینو اساسي هدف دادی چې څرنګه د قرآن کریم تشریعي احکام د مسلمانانو په ذهن کې بې ارزښته معرفي کړي او مسلمانانو ته د خپلو تبلیغاتو په مرسته وښايي چې د قرآن کریم تقنیني برخه په اوس وخت کې د تطبیق وړ نه ده، ځکه اوس نړۍ پرمختګ کړی او نویو قوانینو ته اړتیا ده. همدارنګه د قرآن کریم ځیني احکام لکه قصاص، رجم او د غل څخه لاس پریکول د مسلمانانو په ذهن کې د ظلم او افراطیت په نومونو تعبیروي.

۳- اسلامي تاریخ په هکله:

د مستشرقینو دریم ستر هدف اسلامي تاریخ دی؛ مستشرقین د اسلامي تاریخ اړوند تحقیق کوي او د اسلامي تاریخ هغه برخې ته ډیره توجه کوي کوم چې د مسلمانانو تر منځ ځیني اختلافي موارد په کې ذکر شوي وي؛ په دی سره دوی غواړي چې ځوان نسل ذهن ته دا خبره ورسوي چې ګویا زموږ اسلاف هم چندان سم خلک نه وو، ځکه ټول عمر یې په خپل منځ کې په اختلاف او جنګونو کې تیر کړی دی، اړوند دوی د حضرت علی رضی الله عنه او حضرت معاویه رضي الله تر منځ چې کوم اختلاف موجود وو، ډیره تر بحث او مناقشې لاندې نیسي.

۴- د اسلامي هیوادونو دجغرافیوي حدودو په هکله:

په دې برخه کې مستشرقین د اسلامي هیوادونو جغرافیوي موقعیت او د اسلامي هیوادونو تر منځ چې کوم جغرافیوي مشترکات شتون لري تر بحث او څیړنې لاندې نیسي؛ ددې څخه یې اساسي موخه داده چې د اسلامي هیوادونو د سرحدونو تر منځ د اختلاف ټکي پیدا کړي او بیا هر هیواد ته وایي چې دا سیمه ستا ده، په دې سره د دواړه هیوادونو تر منځ جنګ جګړې را منځ ته کړي.

۵- اسلامي تمدن په هکله:

د مستشرقینو پنځم اساسي هدف د اسلامي تمدن په هکله د اسلامي امت شک او تردید پیداکول دي او هغه داسې چې دوی په دې هکله تبلیغات کړي او کوي یې چې اسلام په خپله هیڅ ځانګړی تمدن نه لري؛ بلکې هر څه یې له غربي تمدن څخه اخیستي دي. دوی په دې هدف کې تر ډیره بریالي شوي هم دي، نن ورځ ځوان کهول د غربي فکر او غربي مادي تمدن څخه متاثره دي، دوی فکر کوي که موږ د غرب فکر او د ژوند طریقه خپله کړو، نو موږ به هم ددوی په شان پرمختللي ټکنالوژي او صنعت ولرو.

په داسې حال کې چې اسلام داسې جامع، معقول، بې سیاله ادبي تمدن لري، چې د ژوند په هر اړخ کې مثبت او عملي مثالونه یې ټولې نړۍ ته وړاندې کړي دي، برابره خبره ده، که په صنعت کې دي که په فردي او اجتماعي سکتورونو کې، په هره برخه کې داسې ممتاز او ځانګړی بشپړ حیثیت لري، چې د بشري نړۍ ټول تمدنونه یې تقلید ته محتاج شوي دي او اسلامي تمدن هیچاته نه محتاج نه دی او نه داسې کومه نقیصه او خلا لري چې د هغه د ډکولو او بشپړتیا لپاره منحرف یهودیت او یا سرګردان، بې لارې مشرکانه تباه کوونکي او غیر انساني مسیحي تمدن ته مراجعه وکړي او خپله نیمګړتیا ورڅخه تکمیل کړي.

خلاصه دا چې غرب د استشراق تحریک په مرسته د مسلمانانو د ژوند مختلف ابعاد مطالعه کوي او د ضعف نقطې یې پیدا کوي او بیا ددې تحریک په مرسته غربیان شرق (اسلامي هیوادونو) لپاره پالیسي جوړوي چې څرنګه دغه هیوادونه خپله مستعمره وګرځوي.

مأخذ: فکري استعمار کتاب او نورو بېلابېلو مقالو څخه



بخش چهاردهم

پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی

تقدیم: واحد ترجمه و تحقیق مجله

مأخذ: سایت الاسلام - بخش دار الافتاء

اگر مجاهد درس‌های نظامی را فراموش کند!

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب! اگر یک مجاهد درس‌های نظامی خواند (تربیه جهادی دید) و استعمال اسلحه مختلف را آموخت و سپس از آن دست گرفت، آیا این گناه دارد؟ (المستفتی خبیب)

الجواب: حامدا و مصلیا و بعد: این عمل گناه شمرده می‌شود، به‌خصوص درصورتی‌که جهاد جاری باشد و هنوز در درجه فرضیت قرار داشته باشد.

وقال النبي صلی الله علیه وسلم : من علم الرمی ثم ترکه فلیس منا اوقدعمی ..في تکملة فتح الملهم ۴۶۶ ۳۱ قوله فلیس منا تشدید عظیم لمن نسی الرمی بعدعلمه وهومکروه کراهة شدیدة لمن ترکه بلاعذر .

والله تعالی اعلم

اگر پول اضافه شود!

الاستفتاء : محترم مفتی صاحب! من به تشکیل می‌رفتم، یک کسی برایم بیست‌وپنج هزار افغانی داد که این پول را در راه جهاد خرج کن. اکنون که من از تشکیل برگشته‌ام، دو هزار افغانی نزد من مانده است. آیا این دو هزار افغانی را به آن شخص برگردانم و یا نه؟ بینوا توجروا

الجواب: حامدا و مصلیا و بعد : اگر آن‌کس در اثنای دادن پول به مجاهد گفته باشد که با این پول به‌عوض من جهاد کن، در این صورت مجاهد پولِ اضافه شده را نزد خود نگه نمی‌تواند. اما اگر گفته باشد که این پول از شما باشد و یا با این پول جهاد بکنید، پس در این صورت مجاهد می‌تواند آن پول باقی‌مانده را در تصرف خود بیاورد. البته، اگر مجاهد الفاظ آن‌کس را فراموش کرده باشد، در این صورت باید از آن‌کس دوباره بپرسد و یا آن پول اضافی را پس برگرداند.

في التاتارخانیه ۴۸۱۷ :ان کان صاحب الجعل قال للمدفوع الیه اغز بهذالمال عني فلیس له ان یمسک الفضل لنفسه، و انکان قال له هذالمال لک اغزبه کان له ان یمسک الفضل لنفسه الاتری ان له ان یمسک جمیع المال لنفسه في هذالوجه ولایغزوبه فکان له ان یمسک الفضل لنفسه من طریق اولی .

ومثله في الهندیة ۱۹۱۱۲

والله تعالی اعلم

پولی که بدون اجازه امیر خرج شده باشد!

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب! یک‌تن از امراء برای من پول داد تا با آن پول رفقای جهادی را اکمال کنم، اما برخی از آن پول از ضرورت اضافه شد. آیا می‌توانم آن

پول را به ضرورت‌های شخصی خود خرج کنم؟ بینوا توجروا

الجواب : حامدا و مصلیا و بعد: در صورت یاد شده، اگر پول برای رفقا داده شده باشد (که بر آن‌ها خرج شود) و به شما صراحتاً یا دلالتاً اجازه داده نشده باشد (که می‌توانید در ضرورت‌های شخصی‌تان خرج نمایید)، پس استعمال آن در ضرورت‌های شخصی‌تان روا نیست و هراندازه پولی که بدون اجازه امیر خرج شده باشد آن مقدار پول به امیر پس داده شود.

في البحر ١٩٩\٥ : وفي المحيط من الزكاة : والرأى الى الامام من تفضيل وتسوية من غيران يميل فى ذلك الى هواه ،ولايحل لهم الا مايكفيهم ويكفي اعوانهم بالمعروف ،وان فضل من المال شئ بعدايصال الحقوق الى اربابها قسموه بين المسلمين فان قصروا في ذلك وقعدو عنه كان الله حسيبا عليهم.

وفي الموسوعة الفقهية ٢٤\٤١٨ : سلطة التصرف في بيت مال المسلمين للخليفة وحده اومن ينيبه وذلک لان الامام نائب عن المسلمين فيمالم يتعين فيه منهم . وفيه ٢٦\٤١٨ : ويلاحظ ان كل ماوردالى عمال المسلمين اوخرج من ايديهم من المال العام فحكم بيت المال جارى عليه في دخله اليه وخرجه عنه ولذلک تجرى عليه المحاسبة .

والله تعالى اعلم

حکم و طریقه سرمه کردن چشم:

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب! مردان چگونه باید چشم‌هایشان را سرمه کنند و حکم سرمه کردن چشم‌ها برای مردان چیست؟

جواب: سرمه کردن چشم‌ها برای مردان جایز و مستحب است و طریقه مسنون آن این است که هر چشم سه بار و یا پنج بار خط کشیده شود. البته، نخست دو بار چوب سرمه را بر چشم راست کش بکند و سپس دو بار بر چشم چپ، و پس‌ازآن یک‌بار دوباره بر چشم راست کش بکند و یک‌بار هم بر چشم چپ.

عَنِ ابن عباس أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : اكْتَحِلُوا بِالْإِثْمِدِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ.

وَزَعَمَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَتْ لَهُ مُكْحُلَةٌ يَكْتَحِلُ بِهَا كُلَّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَةً فِي هَذِه، وَثَلَاثَةً فِي هَذِهِ.

(سنن الترمذي)

قوله : (أن النبي) صلى الله عليه وسلم بفتح الهمزة (كانت له مكحلة) بضمتين بينهما ساكنة اسم آلة الكحل، وهو الميل على خلاف القياس والمراد هاهنا ما فيه الكحل (يكتحل بها) قال القاري: كذا بالباء في بعض نسخ المشكاة وفي جميع روايات الشمائل بلفظ: منها فالباء بمعنى من كما قيل في قوله تعالى {يشرب بها عباد الله} ويمكن أن تكون الباء للسببية (كل ليلة) أي قبل أن ينام كما في رواية، وعند النوم كما في أخرى (ثلاثة) أي ثلاث مرات متوالية (في هذه) أي اليمنى (وثلاثة) أي متتابعة (في هذه) أي اليسرى والمشار إليها عين الراوي بطريق التمثيل . وقد ثبت أنه صلى الله عليه وسلم قال: من اكتحل فليوتر على ما رواه أبو داود. وفي الإيتار قولان أحدهما ما سبق وعليه الروايات المتعددة وهو أقوى في الاعتبار لتكرار تحقق الإيتار بالنسبة إلى كل عضو، كما اعتبر التثليث في أعضاء الوضوء، وثانيهما أن يكتحل فيهما خمسة، ثلاثة في اليمنى ومرتين في اليسرى على ما روي في شرح السنة . وعلى هذا ينبغي أن يكون الابتداء والانتهاء باليمين تفضيلاً لها على اليسار كما أفاده الشيخ مجد الدين الفيروزآبادي. (تحفة الأحوذي شرح سنن الترمذي ، أبواب اللباس ، باب ماجاء في الاكتحال)

و قد ترجم عليه المام المنذري رح في كتابه الترغيب والترهيب: (الترغيب في الكحل بالإثمد للرجال والنساء) روى ابن ماجه عن ابن عمر رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: عليكم بالإثمد فإنه يجلو البصر وينبت الشعر.

في البحر ٢/٣٠٢ ولا بأس بالاكتحال للرجال إذا قصدوا به التداوي دون الزينة ....واعلم أنه لا تلازم بين قصد الجمال وقصد الزينة فالقصد الأول لدفع الشين وإقامة ما به الوقار وإظهار النعمة لا فخرا وهو أثر أدب النفس وشهامتها والثاني أثر ضعفها.

والله تعالى اعلم.

صفحه ویژه شیربچه‌های هندوکش

بخش شانزدهم

ترتیب دهنده: محمدعمار رستاقی

ان شاء الله

مسلمانان بر این عقیده‌اند که غیب را به‌جز الله متعال کس دیگر نمی‌داند و به همین خاطر هرگاه می‌خواهند کاری را در آینده انجام دهند باید با آن (ان شاء الله) یعنی «اگر خواست الله متعال بود» بگویند. الله متعال در قرآن کریم مسلمانان را امر می‌کند که هیچگاه کاری را که فردا انجام می‌دهند بدون اینکه «ان شاء الله» بگویند نگویند که آن را انجام می‌دهیم. مسلمان باید از کودکی خود را بر این ادب و اخلاق شرعی عادت دهد و هرگز بدون (ان شاء الله) نگوید که کاری را انجام می‌دهد.

نعمت‌های الله متعال

الله متعال نعمت‌های فراوانی را برای بندگان خود ارزانی کرده است. اگر ما و شما یک‌لحظه فکر کنیم صدها نعمت الله متعال را در دور و بر خود مشاهده می‌کنیم. این نعمت‌هایی است که الله تعالی برای ما بدون قیمت داده است و اگر اندکی از آن را از نزد ما بگیرد با پرداخت لک‌ها و میلیون‌ها افغانی نیز نمی‌توانیم آن را به دست بیاوریم. مثلاً الله متعال ما را نعمت زندگی داده است و در پهلوی آن برای ما نعمت بینایی، شنوایی، حس و شعور داده است. اگر یکی از این نعمت‌ها را از ما بگیرد نمی‌توانیم با میلیون‌ها افغانی آن را خریداری کنیم. ما انسان‌ها در هر لحظه نفس می‌کشیم و باید در هر نفس خود از هوا آکسیجن بگیریم و اگر این آکسیجن وجود نداشته باشد باید روزانه هزارها افغانی بدهیم تا آن را توسط کپسول‌ها و پایپ‌ها فراهم کنیم و شاید به این شکل نتوانیم بیشتر از چند روز و یا ماه زندگی کنیم. پس باید به نعمت‌های الله متعال متوجه شویم و روزانه شکر همه آنان را بجا بیاوریم.

صلح

خالد: پدر صلح چیست؟ ما هر روز در تلویزیون، مکتب و در هر جا می‌شنویم که صلح می‌آید؟
پدر: صلح اینست که اگر مسلمانان با کفار در جنگ باشند و مسلمانان قوی باشند و کفار نزد آنان آمده و بگویند که دیگر ما جنگ نمی‌کنیم شما هم همراه ما جنگ نکنید این را صلح می‌گویند.
خالد: اگر کفار در وطن ما بیایند باز بگویند صلح می‌کنیم باید که مسلمانان با آنان صلح بکنند؟
پدر: بلی به شرط اینکه از وطن ما خارج شوند.
خالد: اگر خارج شدند باز مزدورهایشان چی می‌شود؟
پدر: مزدورهایشان یا باید به مسلمانان تسلیم شوند و یا با باداران خود بروند.
خالد: اگر تسلیم شدند مسلمانان آن‌ها را عفو می‌کنند؟
پدر: بلی بچیم اما اگر کسی بالایشان در محکمه شرعی دعوا کرد، آنان باید جوابگو باشند و اگر محکمه بالایشان حکم کرد، آن حکم بالایشان تطبیق می‌شود.

رمضان و روزه

روزه سومین رکن دین مبین اسلام است. هر مسلمانی که بالغ و عاقل باشد باید در ماه مبارک رمضان روزه بگیرد. روزه گرفتن به معنای اینست که از قبل از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب نه چیزی بخورد و نه چیزی بنوشد. علاوه بر این، مسلمان در رمضان وقتی‌که روزه می‌گیرد نباید سخنان بیهوده بزند. شخص روزه‌دار نباید باکسی جنگ کند و یا دشنام بدهد. رسول‌الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان را از گفتن سخنان بیهوده، جنگ، دشنام و دیگر امور بداخلاقی منع کرده و فرموده است که اگر این کارها را بکنید، الله متعال به نه خوردن و نه نوشیدنتان هیچ ضرورت ندارد. اطفالی که توان روزه گرفتن را دارند می‌توانند احیاناً و بعضی از روزهای رمضان را با پدر و مادر خود روزه بگیرند.

نوروز

خالد: پدر جان نوروز چیست؟
پدر: بچیم نوروز، روز اول سال شمسی است.
خالد: پس ما باید نوروز را مانند عید تجلیل کنیم؟
پدر: نخیر جان پدر، مسلمانان تنها دو عید دارند؛ عید رمضان و عید قربان. نوروز عید آتش‌پرستان است و مسلمانان نباید عید کفار را جشن بگیرند.
خالد: اگر نوروز را تجلیل کنیم گناهکار می‌شویم؟
پدر: بلی فرزندم، دین اسلام ما را اجازه نمی‌دهد که از دین کفار پیروی کنیم و عیدشان را جشن بگیریم.

بخش ۲۵

زندگان جاوید

مرتب: حبیبی سمنگانی

شهید مولوی محمد امین سیفی – تقبله الله–

شهید مولوی محمدامین «سیفی» فرزند مولوی صاحب سیف‌الدین رحمهما الله در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی در قریه استرب ولسوالی وردوج ولایت بدخشان در یک خانواده علمی و روحانی دیده به جهان گشود.

وی دوره ابتدایی آموزشی‌اش را نزد پدر گرامی و دیگر علمای منطقه به‌خصوص مرحوم مولانا نورالدین رحمه‌الله فراگرفت، سپس جهت فراگیری بیشتر علوم دینی به کشور پاکستان سفر نمود و در مدارس مختلف ایالت خیبرپختونخوای آن کشور؛ جامعه نعمانیه (چهارسده) دارالعلوم ترنگزی (چهارسده) دارالعلوم چهارباغ (سوات) و مدرسه زید بن ثابت (سوات) به سلسله درس‌خوانی‌اش دوام داد و آخرالامر در سال ۱۴۲۲ هجری قمری دوره حدیث را در جامعه اشرف‌المدارس واقع در منطقه دکورک (سوات) نزد شیخ‌الحدیث مولوی عبدالحق رحمه‌الله به پایان رسانده، سند فراغت را اخذ نمود و به‌منظور خدمت به اسلام و ملت به کشور خود عودت نمود و باقی‌ماندهٔ عمر عزیز خویش را در مسیر دعوت و مبارزه بر ضد فساد و اشغال سپری نمود و به حیث چهره بارز علمی و دعوتی در منطقه عرض وجود کرد.

وی مسئولیت و رسالت ایمانی و ملی‌اش را در راستای پاک‌سازی جامعه از لوث فساد و اشغال به نحوه احسن انجام داد و من حیث یک مدرس توانا، دعوتگر با اندیشه و مبلغ حق بیان در مسجد جامع و مدرسه مرکزی ولسوالی وردوج خدمت نمود. اغلب خطبات وی بر خطرات فرا راه اسلام و مسلمان‌ها و همچنان زیان‌های استعمار و اشغال متمرکز بود و تا آخرین رمق زندگی مستعار دنیا در این راه مبارزه نمود. وی در برابر انواع فشارهای که از سوی دست‌نشانده‌های استعمارگران با آن مواجه می‌شد باکمال متانت و جرئت ایستادگی نمود. وی از انگشت‌شمار علمای ربانی بود که

در تهداب گزاری بنیان جهاد مسلحانه کنونی در ولایت بدخشان نقش کلیدی و اساسی داشت و جوانان را به جهاد و مجاهدت در برابر اشغال کشور و برای حاکمیت نظام مصفای اسلامی تشویق می‌نمود. هرگاه برادرش مولوی قاری فصیح‌الدین فطرت (مسئول پیشین جهادی بدخشان و معاون کنونی کمیسیون نظامی در حوزه شرقی کشور) به حیث مسئول جهادی ولسوالی وردوج تعیین شد، مجاهدین به حمایت و رهنمایی مؤثر آن عالم مجاهد فعالیت‌های جهادی‌شان را به‌پیش می‌بردند. همان بود که او موردتوجه و تعقیب خاص نیروهای اشغالگر و غلامان داخلی‌شان قرار گرفت.

شهید مولوی صاحب در جریان مراسم تدفین چند تن شهدا که به اثر بمبارد طیاره‌های بمب‌افکن نیروهای اشغالگر به شهادت رسیده بودند، علناً و صراحتاً فتوای جهاد بر ضد اشغال و به هدف نابودی رژیم غیر اسلامی کابل را صادر نمود. وی در این راستا، از چندین پلان‌های شوم دشمن بزدل و کوردل جان به‌سلامت برد، اما بالاخره شب جمعه به تاریخ ۲۱ جوزا سال ۱۳۹۲ هجری شمسی در چاپه مشترک اشغالگران و همکاران مزدورشان بسیار وحشیانه و مظلومانه به شهادت رسید، اما خون پاک او چنان رنگ آورد که صداهای تکبیرگویان همرهان و رهروان او، تمام وردوج را برای دشمنان اسلام و مسلمان‌ها به خطه سوزان تبدیل ساخت.



شهید مولوی عبدالملک خراسانی – تقبله الله–

شهید مولوی عبدالملک خراسانی - تقبله الله - فرزند عبدالعلیم در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی در روستای کیب ولسوالی جرم ولایت بدخشان در یک خانوادهٔ متدین و دین‌دوست دیده به جهان گشود. موصوف دوره کودکی تا جوانی را در روستای پدری‌اش در کنار پدر و مادر گذرانید و در این بخش از زندگی خود علاوه بر خدمت پدر و مادر، از تعلیمات ابتدایی اسلامی نیز بهره‌یاب گردید. وی چون علاقه خاصی با علوم اسلامی داشت، جهت فراگیری هرچه آن، در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی عازم کشور همسایه پاکستان شد و مدت ۸ سال از عمر گران‌بهایش را صرف خواندن و آموختن علوم دینی نمود.

وی که دارای ذکاوت بسیار عالی بود پس از فراگرفتن تعلیمات اسلامی به کشور بازگشت و به زندگی عادی خود در کنار پدر و مادر ادامه داد؛ اما چون شهید خراسانی از مفکوره اصیل اسلامی و آزادگی برخوردار بود، ناچار در مخالفت با رژیم دست‌نشانده کابل قرار گرفت. هرگاه صدای آزادی‌خواهی مجاهدین امارت اسلامی در اوج زورگویی اشغالگران و مزدورانشان از کوه‌پایه‌های بدخشان بلند شد و مورال تازه‌ای به ملت مبارز و حق پرور بدخشان بخشید، در آن هنگام عبدالملک خراسانی باکمال شوق به دعوت مردم به‌سوی جهاد و مقاومت ادامه داد. وی به جرم حق گفتن و فراخوانی مردم به حمایت از امارت اسلامی دو بار از طرف اداره مزدور کابل توقیف و پشت میله‌های زندان انداخته شد، اما به همکاری و پادرمیانی مردم محل از زندان آزاد گردید.

وی بالاخره برای ادای مسئولیت و فریضه دینی رسماً به‌صف مجاهدین امارت اسلامی پیوست و دوشادوش برادران مجاهد باجان و مال در مقابل لشکر طاغوت رزمید؛ اما سرانجام پیک اجل به سراغ این عالم فرزانه رسید و به تاریخ ۸ حوت ۱۳۹۷ هجری شمسی در یک کمین دشمن در مسیر قریه‌های کیب و فرغامنج ولسوالی جرم از سوی اربکی‌های شریر و مزدور به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

(با سپاس فراوان از ملا معزالدین احمدی که جزئیات سوانح شهید مولوی محمدامین سیفی و شهید مولوی عبدالمالک خراسانی را تهیه نمودند).



شهید حافظ ضیاءالدین طلحه غوری - تقبله الله–

شهید حافظ ضیاءالدین معروف به قاری طلحه پسر حاجی غلام نبی در سال ۱۳۹۵ خورشیدی مصادف

با ۱۹۹٦ میلادی در قریه تیل بدل ولسوالی دولینه ولایت غور در یک خانواده متدین، مخلص و باتقوا دیده به جهان گشود

شهید حافظ طلحه (تقبله الله)- تعلیمات ابتدایی دینی‌اش را نزد ملا امام قریه شروع نمود و بنا به شوق و علاقه‌ی تام و وافر که پدرشان به پرورش و تربیه صحیح جگرگوشه‌اش داشت ضیاءالدین را برای فراگیری علوم دینی به‌ویژه حفظ قرآن عظیم‌الشان رسماً به مدرسه فرستاد.

شهید حافظ طلحه (تقبله الله) حفظ کلام‌الله مجید را در دارالحفاظ قریه بی‌بی یان ولسوالی دولینه آغاز نمود و غرض تکمیلی آن به ولایت هم‌جوار غور «هرات» سفر نمود، وی در مدت سه سال قرآن عظیم‌الشان را حفظ نمود و بعداً به فراگیری علوم متداول دینی پرداخت.

شهید حافظ طلحه در ابتدای سنین جوانی در خلال حفظ کلام‌الله مجید و فراگیری علوم دینی بنا به شوق و جذبه‌ی جهادی که داشت نمی‌توانست جنایات اشغالگران و مزدورانشان را در قبال دین و میهن اسلامی خود تحمل کند، بناء از اوقات تعطیلی و رخصتی‌های مدرسه استفاده نموده در این مدت به صفوف مجاهدین امارت اسلامی جهت سرکوبی مسلحانه اشغالگران و عمال داخلی‌شان می‌پیوست.

اما ازآنجایی‌که از یک‌طرف جنایات و وحشت‌آفرینی‌های اشغالگران و غلامان زرخریدشان نسبت به اسلام و مسلمین روزبه‌روز افزون‌تر می‌شد و از طرف دیگر هم وجدان و ایمان حافظ طلحه برایش اجازه نمی‌داد که این‌همه جنایت و دهشت را به چشم سر مشاهده کند و مهر سکوت را بر دهان کوبیده، زنجیر اسارت را بر پاها ببندد و از دور نظاره‌گر این جسارت‌ها و خیره‌سری‌های اجیران و باداران خارجی‌شان باشد.

همان بود که حافظ طلحه کمر همت را برای پاسداری از مقدسات و ارزش‌های اسلام و برای دفاع از نوامیس و اموال مسلمان‌ها بسته و برای همیشه به‌صف مجاهدین امارت اسلامی پیوست و به جهاد پاک و بی‌آلایش در مقابل اشغالگران و کارمندان اجیر رژیم دست‌نشانده کابل پرداخت.

شهید حافظ طلحه به حیث یک مجاهد شجاع و دلیر فعالیت‌های زیادی را در عرصه جهاد و مقاومت انجام داد و از بزرگ‌ترین نوع ایثار و فداکاری جهت پیشبرد اهداف دینی و اسلامی مجاهدین امارت اسلامی دریغ نورزید. شهید حافظ طلحه دارای سیمای زیبا، چهره نورانی و اخلاق نیکو و پسندیده بود و در تمام افعال و کردارش تابع سنت مطهر نبوی (صلی الله علیه وسلم) بود و از محبوبیت خاص در بین مجاهدین و مردم منطقه برخوردار بود.

زمانی که مجاهدین امارت اسلامی در آغاز عملیات الخندق به تصفیه و پاک‌سازی مناطق بزرگی از ولسوالی دولینه و شهرک ولایت غور از لوث ظالمان و اجیران دون‌صفت اداره کابل پرداختند، حافظ طلحه در آن عملیات نقش بارز داشت و در حملات تعرضی در صف مقدم جنگ جهت شکستن کمربندهای دشمن دوشادوش هم‌رزمان و هم‌سنگرانش با شوق و اشتیاق کامل می‌رزمید تا اینکه تمام آن مناطق فتح شد و تعداد ۱۵ تن از اجیران را کشتند و سلاح و مهمات زیادی را به غنیمت گرفتند.

اما این مجاهد دلیر پس از فتح و پاک‌سازی این مناطق در جنگ دیگری جهت پیشروی به‌طرف مرکز ولسوالی دولینه شرکت کرد، اما به اثر انفجار ماین عصر روز یکشنبه ۲۳ جوزای ۱۳۹۷ خورشیدی مصادف با ۱۳ می ۲۰۱۸ به مقام رفیع شهادت نائل آمد.

(با سپاس فراوان از سعید مبارز که جزئیات سوانح شهید را تهیه نمودند).








د افغانستان اسلامي امارت

پیام‌ها و اعلامیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه امارت اسلامی در مورد عملیات‌های تازه آغازشده دشمن در قندهار، بدخشان و بعضی ولایت‌های دیگر

در این اواخر، عملیات‌های بزرگی در ولایت‌های متعدد کشور از سوی عساکر اداره کابل و به همکاری مستقیم هوایی و استخباراتی اشغالگران در برابر مجاهدین امارت اسلامی و مردم ملکی آغاز شده و اکنون هم جریان دارد، که خانه‌ها و قریه‌های زیادی ملکی دران تخریب شده است.

طیارات دشمن در ارغنداب ولایت قندهار و ولسوالی نسی (درواز) ولایت بدخشان مجاهدین و مردم را بمبارد می‌کنند، همچنان چند روز پیش در صبری (خوست) و ولایت‌های ننگرهار و هلمند نیز بمباردها و حملات زیادی صورت گرفت که این‌همه سرپیچی علنی از توافقنامه امریکا با امارت اسلامی است.

امارت اسلامی افغانستان به کمیسیون امور نظامی هدایت می‌دهد که اگر این عملیات‌ها متوقف نشود، برای دفاع از خود و ملت آن‌گونه‌ای که مناسب می‌بیند اقدام نماید.

باید بگوییم که در این صورت مسئولیت هرگونه رویدادهای احتمالی به دوش جهت مقابل می‌باشد.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۸/۲۲ هـ ق

۱۴۰۰/۱/۱۵ هـ ش ـ ۲۰۲۱/٤/٤م



اعلامیه امارت اسلامی در مورد اظهارات مبهم رئیس‌جمهور امریکا

چون در این اواخر، جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا اظهارات مبهم در مورد عملی کردن پیمان دوحه و خروج نیروهای خارجی از افغانستان داشته، و همچنان بعضی کشورهای عضو ناتو می‌خواهند به اشغال افغانستان دوام بدهند، امارت اسلامی موقف خود را در این مورد قرار ذیل توضیح می‌دهد:

پیمان دوحه، راه بسیار معقول و کوتاه برای پایان جنگ بیست‌ساله میان افغانستان و امریکا و رسیدن به افغانستانِ با صلح و ثبات است.

امارت اسلامی به تعهدات خود در پیمان دوحه با جدیت متعهد بوده و از جهت آمریکایی هم می‌خواهد که اراده محکم به تعهدات خود داشته باشد و این فرصت تاریخی را با مشوره‌ها و انگیزه‌های نادرست حلقات جنگ‌طلب از دست ندهد.

اگر خدای‌نخواسته، همه نیروهای خارجی مطابق پیمان دوحه در زمان معین شده از افغانستان بیرون نشوند، بدون شک این نقض پیمان از سوی جهت آمریکایی پنداشته می‌شود، که مسئولیت آن به جهت مقابل راجع می‌گردد و در سطح جهانی نیز به حیثیت امریکا صدمه می‌رساند.

دران صورت، امارت اسلامی به نمایندگی از ملت مسلمان، مجاهد و دلیر افغانستان ناگزیر خواهد بود که از دین و کشور خود دفاع نماید، به جهاد و مبارزه مسلحانه در برابر نیروهای اشغالگر دوام بدهد و کشور خود را آزاد بسازد.

پس مسئولیت دوام جنگ، تلفات و زیان‌ها به دوش جهت سرپیچی کننده می‌باشد.

باید اراده و جدیت مردم افغانستان دیگر به آزمون گرفته نشود و برای پایان دادن جنگ، از تعقل و منطق استفاده صورت گیرد.

افغانستان خانه افغان‌هاست، اینجا آوردن هرگونه نظام حق این ملت است و هیچ‌کسی از خارج نمی‌تواند هیچ‌گونه سیستم و نظامی را بر افغان‌ها تحمیل کند و نه هم این حق را دارد.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۸/۱۳هـ ق

۱۴۰۰/۱/۶هـ ش ــ ۲۶/۳/۲۰۲۱م



پیام تسلیت امارت اسلامی به مناسبت درگذشت عالم معروف کشور شیخ‌الحدیث مولوی عبدالله (گلبدین) رحمه‌الله

با تأثر اطلاع حاصل نموده‌ایم که عالم نامور و معروف کشور، معاون تمییز حوزه جنوب غرب امارت اسلامی افغانستان شیخ‌التفسیر والحدیث الحاج مولوی عبدالله مشهور به گلبدین آخندزاده به اثر بیماری عائده به سن ۸۶ سالگی روح خود را به مالک حقیقی سپرد. انا لله و انا الیه راجعون

مرحوم شیخ‌التفسیر والحدیث عبدالله آخندزاده صاحب باشنده ولایت ارزگان شخصیت نامور علمی و جهادی کشور بود. مرحوم شیخ صاحب در جهاد بر ضد شوروی خدمات ارزشمند جهادی در منطقه خود انجام داده بود و در جهاد بر ضد اشغال آمریکایی نیز حامی سرسخت داعیه امارت اسلامی بوده و عملاً مشغول فعالیت‌های جهادی بود.

امارت اسلامی افغانستان نسبت وفات شیخ صاحب مراتب تسلیت خود را به خانواده، عزیزان و شاگردان مرحوم ابراز داشته و از خداوند متعال برای مرحوم شیخ صاحب مقامات بلند در جنت‌ها و به عزیزانش صبر جمیل و اجر جزیل عنایت بفرماید.

خداوند متعال تمام خدمات علمی، جهادی و اجتماعی مرحوم آخندزاده صاحب را به دربار خود قبول و منظور نماید.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۸/۱۲هـ ق

۱۴۰۰/۱/۶هـ ش ــ ۲۶/۳/۲۰۲۱م



اطلاعیه کمیسیون صحت امارت اسلامی در مورد کارشکنی‌های بعضی مؤسسات قراردادی صحی

در کشور ما، مردم با مشکلات زیادی مواجه هستند، اما مشکل صحی از مشکلاتی است که هم‌وطنان ما را به گونه مداوم رنج می‌دهد و به مساعی خاص، توجه و هماهنگی زیادی کارمندان این بخش نیاز دارد. با تأسف باید بگوییم که با این‌قدر مشکلات فراوان، برخی از آن مؤسسات قراردادی که تمام ارگان‌های مربوط به صحت را بی‌غم ساخته و از روی پروپوزال‌های تعیین‌شده با به دست آوردن بودجه کافی، تمام مسئولیت کارها را به دوش گرفته‌اند، اما بازهم آن‌چنانی که لازم و ضرورت است به کارها شانه نمی‌دهند و در مورد مسئولیت‌هایشان سهل‌انگاری می‌کنند، اگر گاهی برای مجلس خواسته می‌شوند، به هدف فرار از مسئولیت بهانه‌های مختلفی

می‌تراشند و این فرار از مسئولیت سبب می‌گردد که زمینه برای اختلاس مالی و فساد اداری همواره گردد، که این به‌تنهایی آن‌قدر مصیبت بزرگ است که تمام ارزش‌های جامعه را از بین می‌برد. بنابراین کمیسیون صحت دیگر این مشکل را نادیده گرفته نمی‌تواند و به هیچ‌کسی اجازه نمی‌دهد که راه را برای اختلاس یا فساد اداری هموار کند. به همین اساس، به تمام آن مؤسسات خبر می‌دهد که به کمبودهای ذیل توجه نمایند و پس از تکمیل آن، به فعالیت‌های خود دوام بدهند:

- اول: طبق قرارداد و پروپوزال، تمام پرسنل صحی و خدماتی را به گونه کامل استخدام کنند.
- دوم: به تمام کلینیک‌های مربوطه، آن ادویه و امکانات و لوازم طبی را بر وقت برسانند، که رساندن آن را به اساس پروپوزال و قرارداد به دوش گرفته و بودجه آن را به دست آورده‌اند.
- سوم: کیفیت و کمیت ادویه چنانکه در پروپوزال به دوش گرفته‌شده عملی نشده است. لازم است که مسئولیت خود را بپذیرند و کیفیت و کمیت ادویه را مطابق معیار آماده بسازند، زیرا کاربرد ادویه بی‌کفایت بیماران را با تهدید مواجه ساخته و بیماری را مزمن می‌سازد.
- چهارم: در صورت ریفر شدن بیماران، به تعهداتشان وفا نکرده‌اند. باید سیستم ریفر را فعال کنند و بیماران محتاج را به کلینیک‌های ریفر کنند که علاجشان در آن ممکن باشد.
- پنجم: معاشات داکتران، نرس‌ها و خدمه‌ی استخدام شده در کلینیک‌ها و مراکز طبی رسانده نشده، که این کار باعث شده تا افراد متذکره کارهایشان را به‌درستی انجام ندهند و کلینیک‌ها با فلج مواجه شوند.
- ششم: در بخش ترمیم ساختمان کلینیک‌ها و مراکز صحی، مسئولیتِ را که در قرارداد به دوششان سپرده شده به گونه درست ادا نکرده‌اند، ترمیم ساختمان‌ها از مدت‌ها باقی‌مانده و اگر مراقبت جدی و ترمیم نشود اکثر کلینیک‌ها با تخریب کامل مواجه‌اند، که باز ضرورت به تعمیر مجدد خواهد داشت.
- هفتم: در مجموع، پول معین در اهداف تعیین‌شده خرج نشده است، درحالی که در رأس قرارداد تعهد کرده‌اند و به اساس همان تعهد به آن‌ها اجازه داده شده که در ساحات زیر کنترول امارت اسلامی فعالیت کنند.
- هشتم: برای تکمیل کمبودهای فوق‌الذکر با برخی مؤسسات قراردادی مکرراً نشست‌ها هم صورت گرفته، اما با وعده‌های مکرر بازهم مکلفیت خود را انجام نداده‌اند.

بناء کمیسیون صحت امارت اسلامی انتظار دارد که تمام مؤسسات قراردادی تا نصف اپریل ۲۰۲۱ میلادی مسئولیت‌هایشان را انجام دهند. اگر تا تاریخ تعین شده، مسئولیت‌هایشان را بدانند، روششان را تغییر دهند، بر تعهدات خود وفا و عمل کنند و مشکلات مردم در بخش صحت را درک کنند، می‌توانند به فعالیت‌های خود دوام بدهند و ما هم در هر بخش با آن‌ها همکاری می‌نماییم، و اگر تا مدت تعیین‌شده روش خود را تغییر ندهند و هنوز به تخلف و سهل‌انگاری دوام بدهند، کمیسیون صحت امارت اسلامی پس از بررسی کامل و ارزیابی همه‌جانبه، در برابر این‌گونه مؤسسات تصمیم می‌گیرد، اگر خدانخواسته مؤسساتی که به معیار برابر نباشند امکان دارد که سبب به تعویق افتادن فعالیت‌هایشان گردد و به ارگان‌های عدلی امارت اسلامی معرفی شوند. والسلام

کمیسیون صحت امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۸/۶هـ ق

۱۳۹۹/۱۲/۳۰هـ ش- ۲۰۲۱/۳/۲۰م



اعلامیه اداره تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان به مناسبت آغاز مجدد روند درسی در پوهنتون‌ها

الحمدلله الذی أعز العلم فی الاعصار وأعلی حزبه فی الامصار والصلاة علی رسوله المختص بهذا الفضل العظیم وعلی آله وصحبه أجمعین.

اساتید پوهنتون‌ها، شخصیت‌های علمی و محصلین محترم!

اداره تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان به مناسبت آغاز مجدد روند درسی به همه شما تبریک

می‌گوید؛ و امیدوار است، تعطیلات طولانی گذشته‌ی را که به دلیل شیوع بیماری کرونا آغاز شده بود در عبادت خداوند، تعلیم و تعلّم، در خدمت والدین و بندگان خداوند گذرانده باشید.

محصلین محترم!

شما می‌دانید که بدون کسب علم و دانش بازسازی و ساختن آینده درخشان کشورِ ویران شده امکان‌پذیر نیست، ملت مجاهد و شهیدپرور ما به آن دسته از جوانانی که در مدارس دینی، پوهنتون‌ها و همچنان به کسانی که در سایر مؤسسات تحصیلات عالی مشغول تحصیل می‌باشند چشم‌انتظار می‌باشد، اینکه دشمن ما نمی‌خواهد افغان‌ها در آینده نزدیک از یک کشور آزاد، مرفه و پر آسایش برخوردار باشند بنابراین با تمام قوتش تلاش می‌ورزد تا نسل جوان ما را از کاروان علمی بی‌بهره ساخته و او را به بی‌راهه بکشد، از یک‌سو جهت به دست آوردن این هدف کوشش می‌کند تا به‌جای آموزش و تحصیل حقیقی در مدارس دینی و سایر مراکز تحصیلی، محصلین مشغول به تعلیم را به کج‌روی، فحشا و بی‌دینی سوق دهند، و از سوی دیگر اشغالگران خارجی و غلامان داخلی آن‌ها می‌خواهند با تراشیدن بهانه‌های مختلف و اتهامات بی‌اساس جهت تخریب مؤسسات تعلیمی ما، با راه‌اندازی حملات وحشیانه و کورکورانه هوایی و عملیات شبانه پروسه تعلیمی و تحصیلی ما را به‌طور تدریجی به پایان برساند.

در این مورد یک‌سخن قابل‌یادآوری است که این اقدامات وحشیانه دشمن اگر خدا خواسته بود ان‌شاءالله موقت می‌باشد، از همین رو محصلین محترم باید با کار گرفتن از صبر و حوصله این اقدامات وحشیانه دشمن را نادیده بگیرند، و توجه کاملشان را فقط به‌سوی هدف اساسی‌شان که عبارت از کسب علم و دانش است متمرکز نمایند، محیط تحصیلی خود را اسلامی و افغانی بسازند؛ و این جنگ جاری فکری و روانی دشمن را با شکست مواجه کنند.

اساتید بزرگوار و شخصیت‌های علمی!

یکی از دشوارترین و بارزترین مسئولیت‌های یک فرد در طول تاریخ بشر به حیث خلیفه روی زمین، عبارت از تبدیل ساختن یک انسان معمولی به شخص معمار و خدمت‌گزار می‌باشد. خداوند متعال با نگاه به توانایی‌های علمی و تعلیمی شما این امانت بی‌نظیر را بر دوش شما قرار داده؛ و تنها سرمایه بزرگ و مورد اعتماد مردم مظلوم افغانستان را که محصلین هستند به شما تحویل داد.

آرزوی خانواده‌های محصلین و مردم افغانستان در این راستا این است که علاوه بر جنبه علمی و تخصصی، این نسل جوان باید باروحیه ناب اسلامی و ملی تربیت شود تا در آینده بتوانند به‌طور واقعی مصدر خدمت برای دین مقدس اسلام، کشور عزیز و ملت مظلوم خود قرار گیرند.

اینکه درنتیجه لطف خداوند متعال و فداکاری‌های بی‌نظیر و اهدای خون پاک مردم افغانستان، اکنون دشمن ما در عرصه نظامی با شکست شرم‌آور روبرو است، باید در زمینه‌های علمی و معنوی نیز به همین سرنوشت دچار شود، سنگر دفاع از نوامیس و ارزش‌های دین و وطن باید در میدان‌های تعلیمی و تربیتی گرم نگه‌داشته شود، تا کشور عزیز ما برای همیشه خودکفا باشد.

در پایان اداره تحصیلات عالی از تمام خدمات معنوی و علمی شما تشکر و قدردانی می‌نماید، وعده پشتیبانی و همکاری کامل در این زمینه را می‌دهد، و توفیق خدمات بیشتری را از بارگاه مقدس متعال برای شما آرزو می‌کند.

به امید کامیابی‌تان!

والسلام

اداره تحصیلات عالی

۲۹/ رجب‌المرجب/ ۱۴۴۲ هجری قمری

۲۳/ حوت/ ۱۳۹۹ هجری شمسی



گردانده: ابو عابد

شعر و ادب

شهید منار!!

لونګ دي که زلمي د جنګ قطار کوي خوشبو
د پلو نښې يې پاتي پر دې لار کوي خوشبو

د مينې او ايثار يو لوی جهان دلته ويده دی
چې اوس يې خړې خاورې د مزار کوي خوشبو

يوه شهيد طالب پرې اخيري سلګۍ وهلې
په وينو ګلګون کاڼې لکه يار کوي خوشبو

دا زړهٔ د خدای د پاکې مينې کور وو چې ټوټې يې
وريتې شوې د بارودو په انګار کوي خوشبو

وسيوري ته يې زما د سترګو تور ګړی دمه وو
دا ځکه د بر کلي دنګ چنار کوي خوشبو

قرآن، مسجد امام او زده کوونکي شهيدان دي
محراب په وينو سور شهيد منار کوي خوشبو

خليل د زمانې ترې د بري ګلونه وړي
سکروټې او انګار لکه نګار کوي خوشبو

عامره! چې پر پلونو د خبيب يو ورختلي
نو خود به تر قيامته هغه دار کوي خوشبو

نېټه: د جمعې مبارکه ورځ مازيګری
۱۴۴۲/۸/۱۹هـ ق
۱۴۰۰/۱/۱۳هـ ش

أبو إحسان عامر

قتل کودک مایه پیکار ما

در قیاس عقل نگنجد کار ما
تاج ذلت! بر سر شهریار ما

دانش مغرب به ما عقلی فزود!
قلب‌ها تَرْکیده از کشتار ما

رخ به سوی بت نهد در وقت راز
گرد کعبه طَوف زند سالار ما!

کودک و پیران به رگ‌بار ستم
جان دهند در پایه دیوار ما

خوست مظلوم آه خود را سر دهد
بلبلِ شوریده از مرغزار ما

با تن پرخون به سوی حق رود
دخت معصوم غافل از کردار ما

حزن و اندوه، سایه خاموش درد
های‌وهوی برخواسته از گفتار ما

هستی ما پرده‌ساز جهل و قتل
قتل کودک مایه پیکار ما

برگ عزت را به آشیان هنر
برده‌ایم، در ره شکست منقار ما

چون نسیم‌زاده برآید سوی دَیر
گل خموش و بهره‌اش از خار ما

نسیم زاده

ماه مبارک رمضان در کلام مولانا

آمد شهر صیام، سنجق سلطان رسید
دست بدار از طعام مایده جان رسید

جان ز قطعیت برست، دست طبیعت ببست
قلب ضلالت شکست لشکر ایمان رسید

لشکر «والعادیات» دست به یغما نهاد
ز آتش «و الموریات» نفس به افغان رسید

البقره راست بود موسی عمران نمود
مرده از و زنده شد چونک به قربان رسید

روزه چون قربان ماست زندگی جان ماست
تن همه قربان کنیم جان چون به مهمان رسید

صبر چو ابریست خوش، حکمت بارد ازو
زانک چنین ماه صبر بود که قرآن رسید

نفس چون محتاج شد روح به معراج شد
چون در زندان شکست جان بر جانان رسید

پرده ظلمت درید، دل به فلک بر پرید
چون ز ملک بود دل باز بدیشان رسید

زود از این چاه تن دست بزن در رسن
بر سر چاه آب گو: یوسف کنعان رسید

عیسی چو از خر برست گشت دعایش قبول
دست‌بشو کز فلک، مایده و خوان رسید

دست و دهان را بشو، نه بخور و نی بگو
آن سخن و لقمه جو، کان به خموشان رسید

از پندهای لقمان حکیم به فرزند دلبندش:

۱- فرزندم هیچکس و هیچ چیز را با خداوند شریک مکن!
۲- با پدر و مادرت بهترین رفتار را داشته باش!
۳- بدان که هیچ چیز از خداوند پنهان نمی ماند!
۴- نماز را آنگونه که شایسته است بپادار!
۵- اندرز و نصیحت دیگران را فراموش مکن!
۶- در مقابل پیش آمدها شکیبا باش !
۷- از مردم روی مگردان و با آنها بی اعتنا مباش!
۸- با غرور و تکبر با دیگران رفتار مکن!
۹- در راه رفتن میانه رو باش!
۱۰- بر سر دیگران فریاد مکش و آرام سخن بگو!

مذاکرات بین‌الافغانی چگونه می‌تواند کامیاب شود؟

مذاکرات بین‌الافغانی از چند ماه بدین سو به‌منظور حل موضوع افغانستان جریان دارد. در این راستا چند روز پیش یك گردهمایی مهم در مسکو پایتخت روسیه دایر شد که دو روز ادامه داشت. در این کنفرانس نیز خواست متحدانه همهٔ جهت‌های داخلی و بیرونی مثل اظهارات و اعلامیه‌های گذشته‌شان همانا تسریع پروسه مذاکرات بود، تا مسئله جاری به یك حل واقعی برسد. اما اکنون سؤال این است که این پروسه مذاکرات چطور می‌تواند کامیاب شود و آرزوی صلح چگونه می‌تواند از خیال به حقیقت تبدیل شود؟؟

باید بگوییم که اساسی‌ترین سخن در این مورد، تعهد به آن توافقی است که تقریباً یك سال پیش از امروز در دوحه، قطر بین جوانب درگیر امضاء شده است و جهت‌های مطرح به شمول سازمان ملل متحد نیز از آن حمایت و آن را تائید کرده است. این توافق از این‌رو مهم است که مسیر و راه‌حل مسئله را روشن می‌کند. مسئولیت‌های مشخص شده‌ای را متوجه هر جهت می‌نماید که با انجام آن تدریجاً رسیدن این پروسه به یك حل نهایی و واقعی را ممکن خواهد کرد.

سخن دوم این است که جانب بیرونی قضیهٔ افغانستان طبق توافق دوحه تقریباً حل شده است و حال طرف داخلی آن، که پروسهٔ مذاکرات بین‌الافغانی دانسته می‌شود، باقی مانده است. از آنجائی که این موضوع داخلی افغان‌هاست و تنها خود افغان‌ها باید در مورد آن جروبحث کنند و برای آن راه‌حل جستجو نمایند، ازاین‌رو طرف بیرونی باید از مداخله در این مذاکرات خودداری کند. زیرا تجارب نشان داده است که مداخلات بیرونی، وارد آوردن فشارها و موضع‌گیری به نفع و یا زیان یك‌جهت، نه اینکه این پروسه را بی‌اعتبار خواهد کرد بلکه می‌تواند آن را با تأخیر و ناکامی مواجه کند.

سپارش ما به‌جانب مقابل این است که خودشان را از تأثر خارجی‌ها بیرون آورده و به اراده خود و با تناظر به منافع ملت و کشور در این مذاکرات پیش‌قدم شوند. بجای معیارهای بیگانگان ارزش‌های دینی و معنوی ملت خود را والا و مقدم شمارند و در روشنایی همین ارزش‌های عالی مسائل را حل کنند. اصرار و پافشاری بر نسخه‌ها و فرمایشات خارجی‌ها را رها کنند، زیرا نسخه‌های خارجی در این کشور قابل‌اجرا نبوده و ملتی که به اقدار معنوی خود قانع است، هیچگاهی آن را نخواهد پذیرفت.

امارت اسلامی افغانستان که بر حل صلح‌آمیز مسائل باورمند است، تمام تلاش خود را خواهد کرد که پروسهٔ جاری مذاکرات را به سرمنزل کامیابی و یك حل واقعی برساند. در این بخش مطابق به توافقنامه دوحه همهٔ مسئولیت‌های طرف خود را انجام داده است. به وعده های داده شده، وفا کرده و تعهد خود به خواست مهم ملت افغان که همانا صلح است، را ثابت نموده است.

امید ما این است که جوانب مقابل، اگر خارجی هستند و یا داخلی، نیز باید به توافق دوحه متعهد بمانند تا مطابق به راه نقشه مذکور، پروسهٔ مذاکرات بین‌الافغانی به سرمنزل کامیابی برسد.

(برگرفته از تبصره هفتگی الاماره ـ دری)



Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine

در مورد کتاب:

«از فراز سنگرها» مجموعه مقالات برادر عزیز و بزرگوار، نویسنده و تحلیلگر محقق و مخلص محترم «استاد احمد فارسی» است که با توجه به نوع نگارش، قلم روان، تاثیرگذار، خوانندەپسند و دلچسب بودن مقالات، تمامی نوشتەهای ایشان جمع‌آوری شده و توسط ادارهٔ «تألیف و ترجمه» در قالب کتابی زیبا بعنوان بیست وهفتمین(۲۷) اثر این اداره، چاپ و منتشر شده است.



آدرس شبکه‌های اجتماعی مجله حقیقت

T.me/haqiqat_mag تلگرام

Twitter.com/HaqiqatMagazine توئیتر

haqiqat_mag@yahoo.com ایمیل